آشنایی با سازمان تجارت جهانی

اسماعیل صلاحی[۱]، فتانه شکرالهی[۲]، میترا اسدی[۱] و رحیم ابوعلی[۲]
e-salahi@merc.ac.ir
[۱] پژوهشگاه مواد و انرژی، [۲] مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران

چکیده:
سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۵ تاسیس و جانشین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) که در سال ۱۹٤۸ و پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته بود، شد. گات به‌عنوان تنها ابزار چند جانبه هدایت کننده تجارت جهان از سال ۱۹٤۸ تا زمان تاسیس سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization,WTO) یعنی سال ۱۹۹۵ باقی ماند و در حدود نیم قرن نقش فعالی در این زمینه داشت. این سازمان، به‌عنوان یک واقعیت در دنیای امروز، چنان است که نادیده گرفتن و یا بی توجهی به آن، غیر ممکن و شاید هم غیر عاقلانه باشد، چنانچه نمی‌توان نسبت به بانک جهانی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت و صندوق بین‌المللی پول بی اهمیت ماند. سازمان تجارت جهانی، یک سازمان بین‌المللی بوده که هدف آن برنامه‌ریزی در زمینه تجارت است، بنابراین باید منافع مشترک تولید کنندگان و مصرف کنندگان را در بر گیرد. WTO تلاش می‌کند تا مشکلات تجاری بین دولت‌ها را کاهش دهد و با وضع قوانین، مقررات و توافقنامه‌های چند جانبه، به تجارت جهانی سرعت بخشد و آن را آسان کند. اندیشه تجارت جهانی، سال‌هاست که پدید آمده و حرکت خود را آغاز کرده و تا آنجا که ممکن است باید کوشید تا در جهت منافع اقتصادی، به‌ویژه صنایع کشور بهره گرفت. همچنین باید در این راستا، آمادگی‌های لازم را برای عضویت ایران در این سازمان به‌دست آورد.
در مقاله حاضر، پس از معرفی تاریخچه تشکیل گات و WTO، موافقت‌نامه‌های آن در بخش‌های صنعتی و خدماتی، دستورالعمل‌های اجرایی جهت ارتقای سطح کیفی کشورهای در حال توسعه، کمیته‌های موجود و گروه‌های کاری آن معرفی می‌شوند.

کلیدواژه:
سازمان تجارت جهانی، گات، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، شورای عمومی و کنفرانس وزارتی.

۱- مقدمه

از جمله بزرگترین چالش‌هایی که کشورهای در حال توسعه، در جهان کنونی با آن روبرو هستند، چگونگی برخورد با فرایند جهانی شدن است. آیا باید به امید سود بردن از مزایای جهانی شدن، مرزهای خود را بدون هیچ کنترلی بر روی کشورهای دنیا گشود و یا اینکه با احتیاط در این زمینه حرکت کرد تا از خطرات احتمالی جهانی شدن در امان ماند؟ آیا کشورهای در حال توسعه، می‌توانند ضمن بهره‌مندی از مزایای آزاد سازی، پیامدهای خطرناک این روند را به کمترین مقدار خود برسانند؟ آیا مدیریت فرایند جهانی شدن از مهمترین جنبه‌های سیاست‌گذاری صنایع کشور در سال‌های آینده محسوب نخواهد شد؟ خطر آنجاست که اغلب کشورهای در حال توسعه، تحت تاثیر فشارهای جهانی، به آزاد سازی اقتصادی تن دهند و زیرساخت‌های لازم را برای موفقیت این سیاست نادیده گرفته و بر خطرات احتمالی آن چشم فرو بندند.

۲-موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)

پس از پایان جنگ جهانی دوم، چند نهاد مهم اقتصادی در دنیا تشکیل شدند که از آن جمله می‌توان به بانک جهانی (World Bank,WB)، صندوق بین‌المللی پول (International Money Forum, IMF) و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (General Agreement on Tariffs Trade Organization, GATT) اشاره کرد [1]. اندیشه ایجاد یک سازمان جهانی ناظر بر روابط تجاری بین المللی و ساده کننده تجارت جهانی، به سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. در سال ۱۹٤۵، ایالات متحده پیشنهاد کرد تا کنفرانسی از نمایندگان کشورها، برای بررسی مسایل مربوط به منع محدودیت‌های کمی، کاهش حقوقی گمرکی و به‌طور کلی تاسیس یک سازمان بین‌المللی تجاری (International Trade Organization, ITO)

تشکیل شود. این کنفرانس از ۱۸ تا ۲٦ نوامبر ۱۹٤٦ در لندن برگزار شد، ولی به‌دلیل مخالفت کشورهای شرکت کننده، بدون دستیابی به نتیجه‌ای پایان یافت. چندی بعد در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، اندیشه تشکیل کنفرانسی پیرامون تجارت بین‌الملل به‌وجود آمد و کمیته‌ای مرکب از نمایندگان کشورهای امریکا، کانادا، انگلستان و فرانسه تشکیل و کشورهای بلژیک، هلند و لوکزامبورگ، مامور تدارک مقدمات آن شدند. این کمیته، به تهیه پیش نویس منشور تجارت جهانی پرداخت و سرانجام کنفرانس هاوانا از ۲۱ نوامبر ۱۹٤۷ تا ۲٤ مارس ۱۹٤۸، با حضور نمایندگان ٥٦ کشور در پایتخت کوبا، تشکیل شد. در این کنفرانس، طرح منشور تجارت جهانی، از طرف ٥۳ هیات نمایندگی به امضا رسید. گات بخشی از منشور سازمان تجارت جهانی (ITO) بود که در این نشست تشکیل شد[2].

گات، به‌دنبال آن بود که در بلند مدت، با ایجاد تفاهم و درک متقابل و چند جانبه میان کشورهای جهان، شرایط با ثباتی را برای انجام تجارت آزاد پدید آورد. هدف اصلی گات از نظام چند جانبه‌ای که برای تجارت کالا وضع می‌نمود فراهم کردن شرایطی با ثبات و قابل پیش بینی برای صنایع کشورها بود که در آن موقعیت بتوانند در رقابت عادلانه و برابر، با یکدیگر روابط تجاری برقرار کنند[2]. متن حقوقی گات در زمان فعالیت آن، تغییر زیادی نکرد و بر مبنای سند توافق شده در سال ۱۹٤۸ بود، اما موافقت‌نامه‌های دیگری نیز که عضویت در آن‌ها اختیاری بوده به آن افزوده شد که به موافقت‌نامه‌های چند جانبه (Multi Lateral Agreement, MLA) معروف هستند [2]. تلاش‌های زیادی توسط گات انجام شد تا تعرفه‌های موجود در مبادلات تجاری کشورهای عضو کاهش یابد. چنین تلاش‌هایی در گفتگوهای چند جانبه تجاری که به دور (Round) معروفند صورت پذیرفت. تا کنون، هشت دور گفتگو در تاریخ تشکیل گات انجام شده که در هر کدام از آن‌ها، گام‌های اساسی برای آزادی تجارت جهانی برداشته شده است. به‌عبارت دیگر، مهمترین هدف گفتگوهای گات در این هشت دور، از بین بردن موانع و محدودیت‌هایی بود که در راه مبادله آزاد، قرار داشت [2].

نخستین دور گفتگوهای تجاری گات در سال ۱۹٤۸ در شهر ژنو انجام شد و در آن، کشورهای عضو، توافق کردند تا تعرفه برخی از کالاهای خود را کاهش دهند. دورهای دیگر گفتگوهای گات عبارتند از دور انسی (Annecy) در سال ۱۹٤۹، دور تورکوای (Torquay) در سال ۱۹٥۱، دور ژنو در سال ۱۹٥٦ دور دیلن (Dillon) در سال‌های ۱۹٦۱-۱۹٦۰، دور کندی در سال‌های ۱۹٦۷-۱۹٦٤، دور توکیو در سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۷۳ و در دور اروگوئه در سال‌های ۱۹۹٤-۱۹۸٦. مهمترین دور گفتگوهای تجاری گات، دور اروگوئه بود [2]. اهمیت این دور از آن جهت است که موضوعات تجاری بسیاری را در بر می‌گرفت و در طول این گفتگوها بود که پایه‌های سازمان تجارت جهانی (WTO) گذاشته شد. گفتگوهای تجاری چند جانبه دور اروگوئه، در میان دورهای مذاکراتی که با نظارت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) برگزار شد، جامع‌ترین و کامل‌ترین دور به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی، دستاوردهای این دور عبارتند از [3]:

۱- تاسیس WTO که از اول ژانویه ۱۹۹٥، از آن زمان، گات دیگر به‌عنوان یک نهاد مجزا از بین رفت و به‌صورت یک موافقتنامه، ضمیمه سند تاسیس WTO شد

۲- بهبود قوانین گات و موافقتنامه‌های وابسته به آن که بر تجارت کالا اعمال می‌شوند

۳- پذیرش موافقتنامه عمومی مربوط به تجارت خدمات (General Agreement on Trade in Services,GATS)

۴- پذیرش موافقتنامه مربوط به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (TRADE RELATED ASPECTS OF INTELECTUAL PROPERTY RIGHTS ,TRIPS)

قواعد گات، تا آن زمان، فقط به تجارت کالا مربوط بود، ولی پس از این دور، طبق توافق صورت گرفته، قواعد اصلی حاکم بر تجارت کالا بر تجارت خدمات نیز، اعمال شد. البته این قواعد، به‌طور مناسبی اصلاح شدند تا اختلاف بین کالا و خدمات و شیوه‌هایی که برطبق آن، تجارت بین‌المللی خدمات انجام می‌گیرد را در نظر گیرند. خدمات مالی در گات، به دو حوزه بزرگ تقسیم می‌شود، یکی خدمات بیمه و دیگری بانک و سایر خدمات. هر چیزی که در معامله‌ای فروخته شود، ولی نتوان آن را دید، یک خدمت محسوب می‌شود. یکی از ویژگی‌های اصلی خدمات این است که برخلاف کالاها، نامحسوس و غیر قابل

لمس هستند. علاوه بر این، خدمات را نمی‌توان ذخیره نمود. همچنین، موانع تجارت خدمات، برخلاف کالا، تعرفه‌ای نیست، بلکه به‌صورت محدودیت‌های قانونی است. اختلاف دیگر کالا و خدمات، در روش اعطای حمایت از سوی دولت به صنایع داخلی است. صنایعی که کالا تولید می‌کنند، با وضع تعرفه‌ها یا سایر اقدامات مرزی، نظیر محدودیت‌های کمی حمایت می‌شوند، البته مقررات سازمان تجارت جهانی از کشورها می‌خواهد تا این قبیل حمایت را از طریق تعرفه‌ها انجام داده و آنها را تشویق می‌کند از محدودیت‌های کمی یا سایر اقدامات محدود کننده مشابه استفاده نکنند.

به‌دلیل غیر محسوس بودن خدمات و از آنجا که بسیاری از معاملات خدمات متضمن انتقالات فرا مرزی نیست، حمایت از صنایع خدماتی نمی‌تواند از طریق اقدامات اعمال در مرز، اعطا شود. صنایع خدماتی با وضع مقررات داخلی ملی در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی و مشارکت عرضه کنندگان خارجی خدمات در صنایع داخلی مورد حمایت قرار می‌گیرند. برای مثال این قبیل مقررات، ممکن است عرضه کنندگان خارجی خدمات (مثل شرکت‌های بیمه و یا بانک‌ها) را از سرمایه‌گذاری یا تاسیس شعبه که برای عرضه خدمات ضروری است، منع نماید [3].

۳- ساختار سازمان تجارت جهانی (WTO)

سازمان تجارت جهانی، تنها سازمان بین‌المللی است که تنظیم قوانین تجارت، بین ملت‌های جهان را بر عهده دارد. هدف این سازمان، توسعه تجارت جهانی و از میان برداشتن موانعی است که تبادل تجاری میان ملت‌های دنیا را محدود می‌کند. سازمان تجارت جهانی برای انجام وظایف خود، تشکیلات زیر را پدید آورده است [4]:

الف) نشست وزیران

مهمترین رکن (Body) مسوول در WTO نشست وزیران (Ministerial Conference) است که هر دو سال یکبار تشکیل می‌شود. نخستین نشست وزیران سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹٦ در سنگاپور، دومین دور آن در سال ۱۹۹۸ در ژنو و سومین نشست وزیران در سال ۱۹۹۹ در ایالات متحده، چهارمین، پنجمین و ششمین دور نیز در سال‌های ۲۰۰۱، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ به ترتیب در دوحه، مکزیک و هنگ کنگ برگزار شده‌اند. نشست وزیران از نمایندگان همه کشورهای عضو تشکیل می‌شود و با برگزاری همایش‌ها، تاسیس کمیته‌ها، تعیین دبیر کل و پذیرش اعضای جدید، در جهت اجرای وظایف سازمان گام بر می‌دارد.

ب) شورای عمومی

این شورا، هدایت کلی و نظارت بر فعالیت‌های سازمان و نیز حل اختلاف بین اعضای سازمان، تعیین خط مشی تجاری کشورهای عضو، ارتباط و همکاری با سایر سازمان‌ها و تصویب مقررات مالی و بودجه سالانه WTO را بر عهده دارد. شورای عمومی دارای دو رکن است. رکن حل اختلاف (Dispute Settlement Body) و رکن بازبینی سیاست‌های تجاری (Body Policy Review Trade). رکن حل اختلاف برای مشورت و حل اختلاف، مطابق تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف تشکیل می‌شود و برای انجام وظایف محول شده، اختیار خواهد داشت که هیات‌های رسیدگی را تشکیل بدهد، گزارش‌های هیات رسیدگی و رکن استینافی را تصویب کند، بر اجرای احکام و توصیه‌ها، نظارت نماید و تعلیق امتیازات و دیگر تعهدات را به‌موجب موافقتنامه‌های تحت پوشش، اجازه می‌دهد. تشکیل جلسات این رکن، بر حسب ضرورت خواهد بود و کشورهای عضو، باید اصول و تصمیماتی را که از سوی این رکن گرفته می‌شود بپذیرند. عملکرد رکن بازبینی سیاست‌های تجاری، طبق سازکار بررسی خط مشی تجاری، پیش بینی شده است. همچنین، شورای عمومی نیز برای انجام وظایف و مسوولیت‌های این رکن، جلسه تشکیل می‌دهد. یکی از وظایف مهم رکن اشاره شده، بررسی خط مشی‌ها و رویه‌های تجاری همه اعضا از نظر تاثیر بر نظام چند جانبه تجاری است. بدین منظور، هر دولت عضو، باید به‌طور منظم، رویه‌های تجاری خود را به این رکن گزارش دهد. رکن بازبینی سیاست‌های تجاری، موظف است تا بر تعهدات کشورهای عضو که

موافقت‌نامه‌های موجود را پذیرفته‌اند نظارت کند، همچنین موجب شفافیت و درک بهتر سیاست‌ها و اقدام‌های تجاری کشورهای عضو شود.

سازمان تجارت جهانی برای اجرای وظایف خود، شوراهایی را تشکیل داده که زیر نظر شورای عمومی فعالیت می‌کنند و عبارتند از:

۱ – شورای تجارت کالا: این شورا، سرپرستی موافقتنامه‌های چند جانبه مربوط به تجارت کالا را بر عهده دارد. این موافقتنامه‌ها، شامل موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) و توافق‌های مربوط و ۱۲ موافقتنامه دیگر است. این شورا ۱۰ کمیته دارد که هرکدام در زمینه ویژه‌ای مانند کشاورزی، دستیابی به بازار، یارانه‌ها، اقدامات ضد فروش زیر قیمت تمام شده (دامپینگ) و مانند آن فعالیت می‌کند.

۲ – شورای تجارت خدمات (GATS): سرپرستی موافقتنامه عمومی تجارت خدمات را عهده دار بوده و شرکت در این شورا، برای همه اعضای سازمان تجارت جهانی آزاد است و اجازه پدید آوردن ارکان متمم را دارد. کمیته خدمات مالی، کمیته تعهدات مشخص و گروه‌های کاری آیین نامه‌های داخلی و قواعد موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، از ارکان متمم حاضر در این شوراست.

۳ – شورای جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (TRIPS): حقوق اموال فکری، حقوقی است که به افراد برای خلق اندیشه‌هایشان داده می‌شود. این شورا، سرپرستی موافقتنامه‌هایی را که به این اموال مرتبط می‌شوند بر عهده دارد. در کنار این سه شورا، کمیته‌های دیگری نیز بر حسب مورد، مانند کمیته تجارت، محیط زیست و همچنین گروه‌های کاری مختلف فعالیت دارند.

پ) کمیته‌ها

کنفرانس وزیران، کمیته‌هایی را تاسیس کرده که وظایف محول شده، به‌موجب موافقت‌نامه تجاری چند جانبه و وظایف دیگری را که شورای عمومی به آنها واگذار می‌کند، انجام دهند. کنفرانس وزیران می‌تواند کمیته‌های دیگری را بر حسب نیاز زمان و تشخیص خود، تاسیس کند، این کمیته‌ها عبارتند از:

– کمیته تجارت و توسعه

– کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها

– کمیته بودجه مالی و تشکیلاتی

بخشی از وظیفه کمیته تجارت و توسعه، بررسی مقررات ویژه‌ای در موافقت‌نامه‌های تجاری چند جانبه، به نفع کشورهای عضوی است که کمترین توسعه یافتگی را دارند و نتایج این بررسی را برای اقدام مقتضی به شورای عمومی گزارش می‌دهد. عضویت در این کمیته‌ها برای نمایندگان همه کشورهای عضو آزاد است.

ت) دبیرخانه

در راس دبیرخانه، دبیر کل قرار دارد که توسط شورای عمومی انتخاب می‌شود و به وظایفی چون انتصاب کارکنان، تعیین وظایف آن‌ها و برآورد بودجه و تنظیم گزارش مالی WTO می‌پردازد. دبیرخانه WTO در ژنو است و اهداف اصلی آن، حمایت شوراهای گوناگون WTO، برگزاری نشست وزیران، تجزیه و تحلیل تجارت جهانی و ارایه گزارش کار به رسانه‌ها، کمک‌های قانونی در حل اختلافات تجاری کشورها و ارایه راهنمایی و مشاوره به کشورهای خواستار عضویت در WTO است. عمده فعالیت دبیرخانه، مربوط به گفتگوهای پیوستن اعضای جدید و ارایه مشورت‌های لازم به کشورهای متقاضی عضویت در سازمان می‌باشد.

نخستین دبیرکل سازمان، پیتر ساترلند، آخرین دبیرکل گات بود که برای مدتی پس از تاسیس این سازمان، دبیر کلی آن را نیز بر عهده داشت. دومین دبیرکل، رناتو روجیرو از کشور ایتالیا بود که دوره چهارساله او در سال ۱۹۹۹ به‌پایان رسید. سومین دبیرکل، مایک مور، نخست وزیر پیشین کشور نیوزیلند بود که تا سال ۲۰۰۲ این مسوولیت را بر عهده داشت.

چهارمین دبیرکل سازمان، سوپاچای پانیچ پاکدی از کشور تایلند بود که دوره او در سال ۲۰۰۵ به پایان رسید. دبیرکل کنونی سازمان تجارت جهانی، پاسکال لامی از کشور فرانسه است که برای مدت چهار سال عهده دار این پست خواهد بود [5].

۳-۱- اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی (WTO)

اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی عبارتنداز [6]:

۱- اصل عدم تبعیض، یکی از اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، جهانی کردن تجارت است، یعنی در برگیرنده قوانینی می‌باشد که حاکم بر اقتصاد یک منطقه ویژه نبوده بلکه وسعت جهانی دارد که به اصل عدم تبعیض معروف است. به این معنی که کشورها، نباید در مناسبات تجاری خود تبعیض قایل شوند. این اصل شاید مهمترین اصل سازمان باشد و شامل دو بعد است، یک بعد خارجی و یک بعد داخلی. در بعد خارجی، اصل بر آن است که با همه طرف‌های تجاری، برخورد یکسانی شود. یعنی کشورها نمی‌توانند در وضعیت عادی، بین طرف‌های تجاری خود تبعیضی قایل شوند. چنانچه کشوری، امتیاز یا تسهیلات ویژه‌ای (به‌عنوان مثال کاهش نرخ گمرکی) را برای کشور دیگری در نظر بگیرد، همان امتیاز باید برای دیگر اعضای WTO نیز در نظر گرفته شود. از جنبه داخلی، اصل عدم تبعیض، تحت عنوان اصل رفتار ملی (National Treatment) شناخته شده است. مطابق این اصل، باید رفتاری که در برابر یک تولید یا محصول داخلی از سوی دولت انجام می‌شود، همانگونه نیز با یک تولید و محصول خارجی که وارد بازار داخلی شده، رفتار شود.

۲- اصل آزاد سازی تجاری: از دیگر اصول حاکم بر سازمان تجارت جهانی، اصل آزاد سازی تجاری (Free Trade) است. پیشتر اشاره شد که هدف گات و پس از آن WTO، رفع موانع تجاری و توسعه مبادلات و مناسبات تجاری بوده است، بنابراین، هدف از این اصل، کاهش تعرفه‌ها و از بین بردن دیگر موانع، مانند سهمیه‌بندی کالاهای وارداتی است.

۳- اصل شفافیت که به‌معنای ارایه ادواری کلیه اطلاعات مربوط به سیاست تجاری کشور به سازمان تجارت جهانی و همچنین پدید آوردن مراکز اطلاع رسانی برای همه قوانین و مقررات تجاری کشور و استانداردهای مورد درخواست برای ورود کالاست. طبق این اصل، همه اعضای سازمان باید هرگونه تغییر و تبدیل در قوانین، مقررات و استانداردها را به اطلاع دیگران برسانند.

٤- اصل تجارت عادلانه (منصفانه) که پدید آوردن زمینه‌ای برای رقابت کارا با حذف موانع مختل کننده تجارت، مانند یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا (دامپینگ) و موارد آسیب زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارایه راه حل‌ها در برابر تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی، چون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضد دامپینگ) صورت می‌گیرد.

٥- حفظ رفتارهای متفاوت و ویژه با کشورهای در حال توسعه و یا کم توسعه یافته، در تحمیل تغییرات کمتر و در مدت طولانی‌تر و به‌صورت یک طرفه.

٦- حفظ استثنا در تعهدات قبول شده در سازمان تجارت جهانی که به‌دلایلی مانند حفظ نظم عمومی، اخلاق، بهداشت انسان، حیوان و گیاهان ... است.

۳-۲-موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی موافقت‌نامه‌هایی دارد که از طرف کشورهای عضو آن باید پذیرفته شود که برخی از آن‌ها عبارتند از [7-9]:

۳-۲-۱- موافقت‌نامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری

موافقت‌نامه ضوابط سرمایه گذاری تجاری، از جمله موافقت‌نامه‌های کالایی ضمیمه موافقت‌نامه تاسیس سازمان تجارت جهانی است. هدف این موافقت‌نامه، گسترش آزاد سازی تجاری، ساده کردن سرمایه گذاری همراه با تضمین رقابت است.

در این موافقت‌نامه، به‌کارگیری آن دسته از ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری که با مقررات گات ۱۹۹٤ مغایرت دارند، ممنوع اعلام شده است. کشورها، باید در مدت سه ماه پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی و پذیرش این موافقت‌نامه، تمام ضوابط سرمایه گذاری تجاری خود را که با مقررات این موافقت‌نامه در تضاد است، به اطلاع شورای تجارت کالا برسانند. همچنین به کشورهای عضو برای حذف این ضوابط، دوره انتقالی داده شده است. در ضمن، کمیته ضوابط سرمایه گذاری تجاری که از ژانویه ۱۹۹۵ شروع به‌کار کرده، بر عملکرد و اجرای این موافقت‌نامه نظارت دارد و مسوولیت‌هایی که شورای تجارت کالا به آن محول می‌کند را انجام می‌دهد. از سال ۲۰۰۰، شورای تجارت کالا، عملکرد موافقت‌نامه ضوابط سرمایه‌گذاری تجاری را بررسی کرده تا در صورت لزوم، این موافقت‌نامه با مقرراتی در زمینه سیاست سرمایه‌گذاری و رقابتی اصلاح و تکمیل شود.

۳-۲-۲-موافقت‌نامه رویه ضد دامپینگ (ضد قیمت شکنی)

بنگاه‌های صادرکننده، گاه محصولات خود را زیر قیمت صادر می‌کنند. این عمل که در اصطلاح دامپینگ (قیمت شکنی) نامیده می‌شود، به‌عنوان یک رویه تجاری غیر منصفانه که شرایط رقابت را به‌هم می‌زند، در تجارت جهانی مطرح است. طبق این موافقت‌نامه، در صورتی قیمت یک محصول زیر قیمت به‌حساب می‌آید که قیمت صادراتی آن کمتر از قیمت همان محصول در کشور صادر کننده باشد. چنانچه مشخص شود که دامپینگ (قیمت شکنی) صورت گرفته و واردات کالای زیر قیمت موجب لطمه به صنعت داخلی تولید کننده محصول مشابه و یا تاخیر در پدید آمدن آن صنعت شده است و میان واردات زیر قیمت و لطمه وارد شده، رابطه علت و معلولی وجود دارد، آنگاه این عوارض می‌تواند وضع شود. وقتی وجود دامپینگ (قیمت شکنی)، وجود لطمه یا خطر و رابطه علت و معلولی بین دامپینگ و لطمه اثبات شد، مقامات کشور وارد کننده، تصمیم می‌گیرند که اقدام ضد دامپینگ صورت بگیرد یا نه. طبق این موافقت‌نامه، حقوق و عوارض ضد دامپینگ تنها تا آن زمان و تا آن حد باید اعمال شود که برای مقابله با دامپینگی که موجب پدید آمدن لطمه شده، لازم است.

۳-۲-۳- موافقت‌نامه ارزش گذاری گمرکی

با توجه به نقشی که گمرک در تجارت خارجی کشورها، به‌عنوان نقطه تماس تجاری دارد، شیوه ارزش‌گذاری کالاهای وارداتی و یا صادراتی برای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی توسط گمرک، همواره مورد توجه و موجب اختلاف تجاری بین کشورها بوده است. این موافقت‌نامه، روش‌های تعیین ارزش گمرکی کالا را شرح می‌دهد و همه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی باید از این روش‌ها پیروی کنند. بر اساس این موافقت‌نامه، ارزش گمرکی کالای وارداتی، همان ارزش معاملاتی یعنی قیمتی که در واقع پرداخت شده یا قابل پرداخت است خواهد بود، مشروط به اینکه شرایط دیگری که ارزش معاملاتی را تحت تاثیر قرار دهد وجود نداشته باشد. در صورتی‌که ارزش معاملاتی کالای وارداتی به استناد ضوابط و معیارهای این موافقت‌نامه، پذیرفته نشود، گمرک، موظف است در تعیین ارزش معاملاتی کالای وارداتی از روش‌هایی که در این موافقت‌نامه تعیین شده استفاده کند. این روش‌ها عبارتند از تعیین ارزش گمرکی براساس ارزش معاملاتی کالای یکسان، تعیین ارزش گمرکی بر اساس ارزش معاملاتی کالای مشابه، تعیین ارزش گمرکی از روش قیاسی و یا تعیین ارزش گمرکی از روش محاسباتی. همچنین هیچیک از کشورها مجاز نیستند که در تعیین ارزش گمرکی کالای وارداتی، قیمت فروش کالای تولید داخلی را مبنا قرار داده و یا قیمت کالا در بازار داخلی کشور صادر کننده و یا قیمت کالا برای صدور به کشور سوم را مبنای تعیین ارزش گمرکی قرار دهند. همچنین در این موافقت‌نامه، مثل همه موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی، بر ضرورت عدم تبعیض و رعایت شفافیت و برخورداری از حق استیناف، در موارد بروز اختلاف تاکید شده و در این زمینه روش‌های اجرایی مربوط را توصیه و تعیین نموده و نیز اصل رفتار ویژه و متفاوت برای کشورهای در حال توسعه در نظر قرار گرفته و استثنائاتی نیز برای این کشورها قایل شده است.

۳-۲-۴-موافقت‌نامه حل اختلاف

بدون وجود ابزاری برای حل اختلافات، قوانین تجارت جهانی ارزشی نخواهند داشت و تعادلی میان حقوق و تعهد اعضا برقرار نمی‌شود. بنابراین پدید آوردن نظام چند جانبه حل اختلاف که برخی ضعف‌های گات را نیز برطرف کند، یکی از مهمترین اهداف گفتگوهای دور اروگوئه به‌شمار می‌آید. این موافقت‌نامه، مبتنی بر قوانین شفاف و مشخصی است. قوانین و مقررات این نظام در تفاهم‌نامه حل اختلافات سازمان تجارت جهانی وجود دارد. حوزه شمول این تفاهم‌نامه، بسیار گسترده بوده و همه موافقت‌نامه‌های سازمان را در بر می‌گیرد. متولی اجرای قوانین و مقررات تفاهم‌نامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن، همان اعضای شورای عمومی سازمان می‌باشند. به‌طور معمول، اختلاف، زمانی بروز می‌کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر سازمان، موارد یکی از موافقت‌نامه‌ها یا تعهداتش را اجرا نمی‌کند. در تفاهم‌نامه، مقرر شده که طرفین، پیش از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف، باید در این زمینه با یکدیگر گفتگو کنند. همچنین طرفین می‌توانند برای دستیابی به راه حل مناسب، از دبیر کل، درخواست کمک نمایند. درصورت شکست تلاش‌ها برای حل اختلاف از طریق گفتگو، شاکی می‌تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیات رسیدگی کند. هیات رسیدگی، در مهلت مقرر باید به قضیه رسیدگی کرده و یافته‌های خود را در گزارشی به این رکن، اعلام نماید. رکن، گزارش را تصویب خواهد کرد، مگر اینکه نظر جمعی، برخلاف آن وجود داشته باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف، محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیات رسیدگی در تفاسیر حقوقی ارایه شده توسط این هیات می‌باشد. رکن دایمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف خواهد داد. برای تضمین حل و فصل موثر اختلافات، مقرر شده که فاصله زمانی تشکیل هیات رسیدگی تا صدور رای نهایی، در صورت عدم استیناف نباید از ۹ ماه و با استیناف از ۱۲ ماه بیشتر باشد. هنگامی که مشخص شد که اقدامات یکی از اعضا با مقررات هر یک از موافقت‌نامه‌های سازمان مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مورد نظر می‌خواهد که از اقدامات نقض کننده دست بر دارد و در صورتی‌که دست بر داشتن از اقدامات غیر عملی باشد، جبران به‌عنوان اقدام موقتی، تا زمانی‌که دست بر داشتن از اقدامات عملی شود، انجام خواهد شد و آخرین تدبیری که تفاهم‌نامه در اختیار عضوی که به‌رویه‌های حل اختلاف متوسل شده قرار می‌دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقت‌نامه‌ها، به‌عنوان تبعیضی در مقابل عضو دیگر است، به‌شرط اینکه رکن حل اختلاف، اجازه چنین اقداماتی را بدهد. به‌علاوه، رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه‌ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

۳-۲-۵-موافقت‌نامه مالکیت فکری

اهمیت و نقش مالکیت فکری در جهان، هر روز بیشتر می‌شود. جهانی شدن تجارت به این مفهوم است که آثار فکری انسان، مانند اختراع‌ها، طرح‌ها، علامت‌ها و نام‌های تجاری، کتاب، موسیقی و فیلم، صاحب امتیاز دارد. مالکیت فکری ابزار قوی برای توسعه اقتصادی و پدید آوردن ثروت است که هنوز کشورهای در حال توسعه، به آن توجه کافی نکرده‌اند. نظام جهانی مالکیت فکری با دو پیمان یعنی پیمان پاریس در سال ۱۸۸۳ برای حمایت از مالکیت صنعتی و پیمان برن در سال ۱۸۸٦ برای حمایت از آثار ادبی و هنری در دنیا مطرح و با تصویب موافقتنامه TRIPS در سال ۱۹۹۵ تکمیل شد. این موافقتنامه، انواعی از حقوق مالکیت فکری را در بر می‌گیرد که عبارتند از: کپی رایت، علامت تجاری، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اطلاعات محرمانه و حق اختراع. هدف اصلی شورای مالکیت فکری، تضمین حمایت از حقوق پدید آورندگان و مالکان حقوق مالکیت صنعتی در دنیا و قدردانی از مخترعان و نویسندگان است. این حمایت جهانی برای خلاقیت، بسیار اهمیت دارد و سبب افزایش سطح صنعتی، فکری، ادبی و هنری خواهد شد. مالکیت‌های فکری یکی از با ارزش‌ترین سرمایه‌ها در مبادلات تجاری جهان هستند. قراردادهای واگذاری، پروانه بهره برداری (لیسانس)، قراردادهای ساخت، خرید و توزیع، همگی نمونه‌هایی از حقوق مالکیت فکری هستند. مهمترین نکته در حقوق مالکیت فکری، ویژگی انحصاری بودن آن‌هاست. بدین مفهوم که بهره برداری از آن حقوق، فقط به پدید آورنده و مالک آن تعلق دارد و دیگران بدون اجازه مالک، حق استفاده از آن را ندارند و بدین جهت قابلیت خرید و فروش و امکان واگذاری این حقوق برای مدت

معین، وجود خواهد داشت. مالکیت فکری را به دو دسته تقسیم می‌کنند، مالکیت صنعتی که شامل اختراع، علامت‌های تجاری، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی و اسرار تجاری و دسته دیگر، حق تالیف که شامل آثار ادبی و هنری مثل داستان، شعر، فیلم، آثار موسیقی، نقاشی، عکس، مجسمه، طرح‌های ساختمانی و مانند آن می‌شود. از جمله انواع حقوق مالکیت صنعتی می‌توان به حق اختراع یا پتنت اشاره کرد. پتنت حق انحصاری است که برای صاحب یک اختراع در نظر گرفته می‌شود و منظور از اختراع، هر محصول یا فرایندی است که راهی برای انجام کاری یا راه حل جدیدی برای حل یک مسئله باشد. پس اختراع می‌تواند برجسته و یا دارای ارزش علمی خیلی بالایی هم نباشد. حمایت از حق اختراع دارای محدودیت زمانی و حدود ۲۰ سال است و پس از آن، حق اختراع از انحصار مخترع خارج خواهد شد. اختراع در صورتی قابل ثبت خواهد بود که جدید و ابداعی باشد. مفهوم انحصاری بودن حق اختراع آن است که نمی‌تواند به صورت تجاری، ساخته، توزیع و فروخته شود و بدون رضایت صاحب حق اختراع مورد استفاده قرار گیرد. علامت تجاری نیز یکی دیگر از حقوق انحصاری است و هر نشانه متمایز کننده‌ای که کالا یا خدماتی را که به وسیله اشخاص یا شرکت‌های ویژه تولیدی یا خدماتی ارایه می‌شوند، معرفی و مشخص می‌کند، مثل نشانه سونی و یا علامت فانتا که به عنوان یک نشانه تجاری شناخته می‌شود. هر کالا یا خدماتی که دارای علامت تجاری باشد که آن را از کالاها یا خدمات دیگر متمایز سازد، از حقوق علامت‌های تجاری برخوردار خواهد بود. نشانه‌های جغرافیایی هم از جمله حقوق انحصاری هستند. نشان جغرافیایی، نشانی است که مبدا کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از یک کشور نسبت دهد، مشروط بر اینکه کیفیت و مرغوبیت، شهرت و یا سایر ویژگی‌های کالا قابل انتساب به آن مبدا جغرافیایی باشد، مثل فرش یا زعفران ایران. نشانه جغرافیایی به مصرف کنندگان نشان می‌دهد که یک محصول در محل مشخصی تولید شده و مشخصات ویژه‌ای دارد که ناشی از محل تولید آن است، به همین دلیل با علامت تجاری که از سوی مالک برای پدید آوردن تمایز محصولاتش با دیگر کالاها استفاده می‌کند، تفاوت دارد. اسرار تجاری می‌تواند شامل هر فرمول، مهارت عینی، فکر، فرایند یا اطلاعاتی باشد که برای صاحب آن در بازار مزیت رقابتی فراهم کند و با آن اطلاعات، به‌عنوان اطلاعات محرمانه رفتار شده و از آگاهی دیگران و یا رقیبان و همچنین از دستبرد به آن جلوگیری شود. قرارداد لیسانس یا واگذاری پروانه بهره برداری، یکی از شیوه‌هایی است که سریع ترین رشد را در تجارت جهانی داشته و به‌وسیله آن، حقوق مالکیت فکری یعنی دانش فنی در مقابل دریافت مبلغی که حق امتیاز (royality) نامیده شده به یک فرد یا شرکت دیگر برای مدتی معین واگذار و منتقل می‌شود. دارنده یک حق مالکیت فکری به‌دلایل فراوانی ممکن است به انتقال فناوری تمایل پیدا کند. یک شرکت صاحب حق مالکیت فکری با دریافت حق امتیاز، پروانه یا مجوزی (licence) را به‌یک شرکت دیگر واگذار و او را مجاز می‌کند تا از علامت تجاری یا حق چاپ آثار هنری یا ادبی یا دانش فنی او برای ساخت محصول و برای فروش استفاده کند. انتقال تجاری فناوری می‌تواند به‌یکی از روش‌های فروش تجهیزات و ماشین آلات (کالاهای سرمایه‌ای)، واگذاری حق امتیاز و توزیع قراردادهای مشاوره، قراردادهای پروژه آماده بهره برداری، قرارداد سرمایه گذاری مشترک، قرارداد دانش فنی، قرارداد پروانه بهره برداری یا فروش حق مالکیت فکری انجام شود. اما مرسوم ترین شیوه، به‌ویژه در تجارت جهانی، انعقاد قراردادهای پروانه بهره برداری است که به موجب آن، امتیاز بهره برداری از یک حق انحصاری ناشی از مالکیت فکری به‌ویژه در زمینه حق اختراع، کپی رایت و علامت‌ها تجاری به دیگری در مقابل دریافت مبالغی واگذار می‌شود. نخستین قانون مربوط به حقوق مالکیت صنعتی در ایران در سال ۱۳۰٤ تصویب و در سال ۱۳۱۰ قانونی با عنوان قانون ثبت علامت‌ها و اختراعات، مصوب مجلس شد. ایران در سال ۱۳۳۷ به قرارداد پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و در سال ۱۳۷۷ به آخرین اصلاحات آن، پیوست. همچنین ایران به دو سند جهانی برای ثبت علامت‌های تجاری به‌نام موافقتنامه مادرید که به ثبت جهانی علامت‌ها و پیمان مربوط به آن، ملحق شده است. همچنین، ایران در سازمان جهانی مالکیت فکری عضویت دارد.

۳-۲-۶-موافقت‌نامه رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه

با توجه به تفاوت سطح توسعه کشورهای گوناگون عضو سازمان تجارت جهانی و این نکته که بیش از دو سوم اعضای این سازمان، کشورهای در حال توسعه می‌باشند، تعجب آور نیست که توجه به نیازها و ملاحظات توسعه‌ای آن‌ها از جایگاه ویژه‌ای در تدوین و اجرای مقررات سازمان تجارت جهانی برخوردار باشد. آن دسته از مقررات مربوط به توسعه و یا مفاد موسوم به رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه که در طول چند دهه پیش از تاسیس این سازمان شکل یافته بودند، از طریق موافقت‌نامه گات سال ۱۹۹٤ که شامل گات سال ۱۹٤۷ و تفاهم‌نامه‌ها و اصلاحیه‌های جدید می‌باشد، به سازمان تجارت جهانی منتقل شده‌اند. در عین حال، دیگر موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه را به‌گونه‌های مختلف پیش بینی می‌نمایند.

۳-۲-۷- موافقت‌نامه شفافیت در خریدهای دولتی

موافقت‌نامه خرید دولتی، موافقت‌نامه میان چند طرف (Polylateral Agreement) می‌باشد که برخلاف موافقت‌نامه‌های چند جانبه (Multi Lateral Agreement) سازمان تجارت جهانی، عضویت در آن برای اعضای این سازمان اختیاری است. همین مساله موجب شده تا طرف‌های این موافقت‌نامه را کشورهای توسعه یافته تشکیل دهند. با توجه به سهم عمده بالقوه و بالفعل خریدهای دولتی از مجموع تجارت جهانی، کشورهای توسعه یافته عضو این موافقت‌نامه، بر آن شده‌اند تا زمینه تعمیم حداقل تعهدات خود در زمینه خریدهای دولتی را به همه اعضای سازمان تجارت جهانی فراهم کنند. در این زمینه، اجلاس وزرای سنگاپور (در سال ۱۹۹٦) تصمیم به ایجاد گروه کاری شفافیت در خریدهای دولتی گرفت تا ضمن انجام مطالعاتی در زمینه خریدهای دولتی، مقدمات تدوین یک موافقت‌نامه چند جانبه را در این مورد فراهم آورد. تنوع دیدگاه و تضاد منافع کشورهای شرکت کننده در جلسات گروه کاری شفافیت به حدی بوده که چشم انداز حصول اجماع پیرامون تدوین یک موافقت‌نامه، با ابهام مواجه شد. کشورهای شرکت‌کننده در گروه کاری، همچنان بر سر بعضی از اصول کلی موافقت‌نامه شفافیت در خریدهای دولتی، از جمله ماهیت موافقت‌نامه، الزامی بودن و یا توصیه‌ای بودن قواعد آن و ضرورت وجود سازکارهای اجرایی مناسب نیز اختلاف نظرهای جدی دارند. اجلاس وزرای دوحه سازمان تجارت جهانی (در سال ۲۰۰۱) با توجه به فضای موجود گروه کاری، بر این نکته تاکید نمود که گفتگوهای جاری شفافیت در خریدهای دولتی، محدود به جنبه‌های شفافیت بوده و متعرض اختیار کشورها در زمینه اعطای ترجیحات به محصولات و عرضه‌کنندگان داخلی خود در جریان خریدهای دولتی نخواهد شد.

۳-۲-۸- موافقت‌نامه موانع فنی در راه تجارت

برای نخستین بار در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، به لزوم وجود استانداردها به‌صورت گذرا اشاره شد. در این موافقت‌نامه، هرگونه اقدام ضروری برای حفظ حیات و سلامت انسان، حیوان و گیاهان و همچنین هرگونه ممنوعیت یا محدودیت وارداتی یا صادراتی که برای اجرای استانداردها یا مقررات طبقه بندی، درجه بندی یا بازاریابی کالا در تجارت جهانی ضرورت دارند مجاز دانسته شده است. رشد استانداردها و مقررات فنی در کشورها، به‌تدریج اثرات منفی بر تجارت جهانی گذاشت، زیرا که رعایت این استانداردها هزینه‌های اضافی برای صادر کنندگان و تولید کنندگان در بر داشت و قدرت رقابت آن‌ها را در بازارهای خارجی کاهش می‌داد. بنابراین در دور توکیو،۳۲ کشور هم‌پیمان، موافقت‌نامه چند جانبه موانع فنی تجارت را امضا کردند. این موافقت‌نامه، شامل چگونگی تهیه، تصویب و اجرای مقررات فنی، استانداردها و رویه‌های ارزیابی مطابقت بود. بعدها در دور اروگوئه، این موافقت‌نامه در شکل کلی‌تری به‌صورت موافقت‌نامه فنی در راه تجارت در آمد و بخشی از موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی شد. مقررات حاکم بر سازمان تجارت جهانی، اعضای خود را ملزم به داشتن استاندارد کالا نمی‌کند. این سازمان همچنین در تدوین استانداردها نیز دخالتی ندارد بلکه این موافقت‌نامه بر آن است که مقررات فنی اجباری، استانداردهای داوطلبانه، آزمایش و صدور گواهی محصولات، موانع غیر ضروری در راه تجارت پدید نیاورند. همانطور که اشاره شد، سازمان تجارت جهانی، ضوابط و مقررات مربوط به وضع و اعمال مقررات و

استانداردهای محصول را در قالب دو موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت و موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهان تعیین کرده است. این موافقت‌نامه در واقع چارچوبی چند جانبه، متشکل از قواعد و نظام‌هایی برای راهنمایی اعضا در زمینه ارایه، اتخاذ و اجرای اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهان به‌منظور حفاظت از حیات یا بهداشت انسان، حیوان و گیاه محسوب می‌شود. این چارچوب، اثرات منفی استانداردهای بهداشتی و بهداشت گیاهی را بر تجارت، به کمترین مقدار رسانده و از اعمال تبعیض دلخواهانه و غیرقابل توجیه، میان اعضا جلوگیری کرده و به هماهنگی هر چه گسترده‌تر این استانداردها در سطح جهانی کمک می‌کند. موافقت‌نامه دیگر، مقررات جهانی قابل اعمال بر استانداردهای محصول و رویه‌های ارزیابی مطابقت با مقررات فنی استانداردها را تعیین می‌کند. این مقررات، در برگیرنده ویژگی‌های محصول، روش‌های تولید موثر بر ویژگی‌های محصول و الزامات بسته بندی و برچسب زنی می‌باشد. گر چه مشابهت‌هایی بین هر دو موافقت‌نامه وجود دارد ولی از نظر دامنه استانداردها و مقرراتی که در شمول هر موافقت‌نامه قرار دارد، تفاوت‌هایی بین این دو موافقت‌نامه دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، هر دو موافقت‌نامه، تاکید می‌نمایند که کشورهای عضو، از حق تعیین و اعمال استانداردها، مقررات فنی و رویه‌های لازم در حوزه شمول موافقت‌نامه برخوردار می‌باشند، مشروط بر اینکه چنین اقداماتی با موازین تعیین شده در متن موافقت‌نامه‌ها مغایر نباشند. باید یادآوری کرد که موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت، استانداردها را به دو دسته اجباری و داوطلبانه دسته بندی کرده که در ادبیات رایج سازمان تجارت جهانی، با عنوان مقررات فنی و استانداردها شناخته می‌شوند. استانداردها و مقررات فنی در این موافقت‌نامه، ویژگی‌های محصول (موارد مربوط به کیفیت کالا)، روش‌های فرایند و تولید که بر ویژگی‌های (کیفیت) محصول اثر دارند، واژگان و نمادها، الزامات بسته بندی و برچسب زنی را در بر می گیرد. بنابراین، در این موافقت‌نامه، استانداردهای محصول که شامل ویژگی‌ها، کیفیت، طرح یا عملکرد محصول است از استانداردهای مربوط به روش‌های فرایند و تولید که شامل مراحل و چگونگی تولید کالاست، متمایز شده است. استانداردهای روش‌های فرایند و تولید، قبل و در خلال مرحله تولید یعنی قبل از ورود محصول به بازار، اعمال می‌شوند. قواعد این موافقت‌نامه، تنها در صورتی بر روش‌های تولید و فرایند محصول اعمال می‌شوند که این روش‌ها بر کیفیت یا سایر ویژگی‌های محصول تاثیر داشته باشد. لازم به اشاره است که استانداردها، جنبه اختیاری دارند و از سوی موسسه‌های استاندارد غیر دولتی مثل (International Standardization Organization,ISO) تدوین می‌شوند. اما مقررات فنی، جنبه اجباری دارند و از سوی دولت‌ها (براساس سیاست گذاری‌های دولتی) و برای حفظ بهداشت حیوان و انسان تدوین و اجرا می‌شوند. محصولات بدون استاندارد، قابلیت ورود به سرزمین کشور وارد کننده را دارند اما محصولاتی که مقررات فنی کشور وارد کننده را رعایت نکنند، اجازه ورود نخواهند داشت.

همانطور که اشاره شد، هدف سازمان، حمایت از منافع عرضه کنندگان خارجی است و از کشورهای عضو، درخواست می‌نماید که استانداردهای اجباری و اختیاری، به‌گونه‌ای تنظیم و اجرا نشوند که موانع غیر معقولی برای تجارت به‌وجود آورند. بدین منظور، برای تضمین اینکه، تصویب استانداردها، مانعی برای تجارت ایجاد نکنند، کشورها باید به‌طور فعال در سازمان‌های جهانی که استانداردهای جهانی را تصویب می‌کنند، مشارکت داشته باشند. همچنین این موافقت‌نامه، مقرر می‌دارد، چنانچه استانداردهایی که مقررات فنی بر آنها مبتنی هستند، با استانداردهای جهانی تطابق نداشته باشند، پیش نویس مقررات، باید منتشر شده و به کشورهای عضو، فرصتی داده شود که در مورد آن‌ها اظهار نظر کنند. هدف اساسی، آن است که تضمین شود مقررات تصویب شده، استانداردهای تولید و سایر استانداردهای حاکم در کشورها را به اندازه کافی در نظر گرفته‌اند یا نه.

در موافقت‌نامه موانع فنی فرا راه تجارت نیز، از اعضا خواسته شده تا در مواردی که مقررات فنی و یا رویه‌های ارزیابی مطابقت برای انطباق محصولات با مقررات فنی و استانداردها لازم باشد و استانداردهای جهانی مربوط در این زمینه‌ها نیز وجود داشته و یا در شرف تکمیل باشد، تضمین نمایند که از این استانداردها استفاده کنند، مگر آنکه مغایر اهداف مشروع بوده یا عوامل جوی، جغرافیایی یا سطوح فناوری در دسترس، مانع اجرای آن باشند. همچنین برای هماهنگ ساختن مقررات

فنی و رویه‌های ارزیابی مطابقت بر مبنای گسترده‌ترین زمینه ممکن، از اعضا خواسته شده تا در زمینه تهیه استانداردهای جهانی توسط موسسات جهانی استاندارد مربوط برای محصولاتی که در مورد آن‌ها مقررات فنی را تصویب کرده‌اند و همچنین تهیه رهنمودها و توصیه‌های لازم راجع به رویه‌های ارزیابی مطابقت در حد توانایی خود به‌طور کامل مشارکت نمایند. با این وجود، موافقت‌نامه، شرایط ویژه کشورهای در حال توسعه را نیز در نظر گرفته است، به‌طوری‌که ماده ۱۲ موافقت‌نامه، تاکید می‌نماید که نباید از کشورهای در حال توسعه عضو، انتظار داشت که به‌دلیل شرایط فنی، اجتماعی و اقتصادی خاص خود و برای حفظ فناوری بومی، روش‌ها و فرایندهای سازگار با نیازهای توسعه‌ای‌شان، از استانداردهای جهانی که مناسب نیازهای توسعه‌ای مالی و تجاری نیست، به‌عنوان مبنایی برای مقررات فنی استانداردها، از جمله روش‌های آزمایش خود استفاده کنند. در مواردی که کشورهای عضو، از استانداردها و مقررات ملی خود استفاده می‌نمایند، هر دو موافقت‌نامه در تکمیل مباحث مربوط به هماهنگ سازی مقررات فنی و رویه‌های ارزیابی، اصل همانند سازی و یکسان سازی مقررات فنی و رویه‌های ارزیابی را نیز پیش بینی نموده و از اعضا خواسته‌اند تا برای تصویب مقررات فنی و اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی اعضای دیگر به‌عنوان معادل مقررات خود، با نظری مثبت برخورد کنند، حتی اگر با مقررات خودشان تفاوت داشته باشد، مشروط بر اینکه قانع شوند که این مقررات در حد کافی اهداف مقررات خودشان را تامین می‌نماید. در مورد رویه‌های ارزیابی مطابقت یک کالا با مقررات و استانداردهای وضع شده نیز توصیه شده که کشورها، رویه‌های ارزیابی همدیگر را بپذیرند. گاهی صادرکنندگان، کالای خود را به چند بازار مختلف صادر می‌نمایند که در مبادی ورودی هر یک از بازارها، رویه‌های ارزیابی مطابقت، روی یک کالا انجام می‌شود و منجر به افزایش هزینه‌های صادراتی برای صادر کننده شده و حتی در برخی موارد، موجب تقلب در نمونه برداری می‌شود، بنابراین، سازمان تجارت جهانی در این موافقت‌نامه‌ها، کشورها را تشویق می‌نماید تا نتایج بازرسی‌ها و آزمایش‌هایی که هیات‌های گواهی کننده دارای صلاحیت در کشورهای صادرکننده انجام داده‌اند، بپذیرند، مشروط بر اینکه قانع شوند استاندارد محصول و رویه‌های ارزیابی مطابقت، معادل با استاندارد خودشان است.

۳-۲-۹- تصمیم گیری در سازمان تجارت جهانی

برخلاف گات که در آن وجود یک کشور مخالف برای جلوگیری از صدور هر حکم کافی بود، در سازمان تجارت جهانی، هیچ کشوری امکان وتو ندارد. بدین معنی که در گات، برای تصویب یک حکم، همه اعضا باید موافق می‌بودند، در حالی‌که در سازمان تجارت جهانی برای رد یک حکم، همگی باید به توافق برسند [3]. اگر چه سازمان تجارت جهانی بر اساس این اصل که هر کشور، یک رای دارد استوار بوده، ولی واقعیت امر این است که کشورهای بزرگ و پیشرفته، قدرت‌های مسلط بر این سازمان هستند و اثر تعیین کننده‌ای بر تصمیم گیری‌های آن خواهند داشت. به‌عنوان مثال، برخی گفتگوها تنها بین بزرگترین تولید کننده و بزرگترین خریدار هر کالا صورت گرفته و نتیجه این گفتگوها شامل حال دیگر کشورها نیز می‌شود. با توجه به آنکه ایالت متحده و اتحادیه اروپا دو قدرت بزرگ اقتصادی دنیا هستند، طبیعی است که در همه گفتگوها، یا خریدار اصلی و یا تولید کننده اصلی کالا باشند. روشن است که حضور یک کشور در حال توسعه در این گفتگوها، به‌ندرت رخ می‌دهد و به این ترتیب سازکار گفتگوها به‌گونه‌ای است که نفوذ آمریکا و اتحادیه اروپا در تصمیم گیری‌ها و مقررات سازمان تجارت جهانی به‌مراتب بیش از دیگر اعضا باشد. همچنین، شیوه تفسیر این مقررات نیز با نگرش اتحادیه اروپا و آمریکا تفاوت چندانی ندارد. بنابراین نباید حدس زد که بسیاری از اختلافاتی که در سازمان تجارت جهانی مطرح شود به نفع آمریکا و اتحادیه اروپا خاتمه یابد؟ از سوی دیگر تا چه اندازه دور از ذهن است که نماینده(گان) آمریکا در سازمان تجارت جهانی، تحت فشار صنایع بزرگ داخلی و اتحادیه‌های تجاری غول پیکر این کشور نباشند؟ به عبارت دیگر، منافع شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی، تاثیر قابل توجهی در جهت گیری و تصمیم گیری سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند داشته باشد؟ جای شک نیست که برخلاف شعارهای سازمان تجارت جهانی درباره وجود فرصت‌های برابر برای همگان، کشورهای سرمایه‌داری از سلطه خویش برای حفظ منافع نابرابر استفاده کنند. بر مبنای قوانین سازمان تجارت جهانی، اگر کشوری با

عملکرد تجاری ناعادلانه از سوی کشور دیگری مواجه شد، مجاز است از طریق تعیین تعرفه‌ها، مقابله به‌مثل کند. بنابراین کشورها، به‌طور یکسان حق دارند برای مجازات عملکرد ناعادلانه تجاری، تعرفه‌های ویژه‌ای برای تولیدات طرف مقابل تعیین کنند. آیا یک کشور در حال توسعه و یا کم توسعه یافته، با وضع تعرفه‌های تجاری می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا، چین و یا روسیه بگذارد؟!

۳-۳- موضوعات جدید در سازمان تجارت جهانی

موضوعاتی است که در اجلاس وزرای این سازمان در سنگاپور توافق شد تا درباره آن‌ها بررسی انجام شود و بدین منظور برای هر یک، گروه کاری تشکیل شد. این موضوعات عبارتند از [10]:

۱- تجارت الکترونیک، توزیع، بازاریابی، فروش یا تحویل کالا و خدمات توسط ابزارهای الکترونیکی

۲- ساده سازی تجاری که شامل بهبود اسناد مورد نیاز و رویه‌های گمرکی از جمله ترخیص کالا، استانداردها، بازرسی گمرکی در زمینه ترخیص کالا، بازرسی گمرکی در زمینه بهداشت حیوانی، گیاهان و کنترل کیفیت است

۳- شفافیت در خریدهای دولتی، مکمل موافقت‌نامه چند طرف خرید دولتی است. بر این اساس، رویه مناقصه باید باز باشد و به همه متقاضیان فرصت شرکت بدهد. پس از امضای قرارداد نیز شفافیت وجود داشته، امکان چالش برای بازندگان مناقصه فراهم باشد و قوانین و رویه‌های خرید دولتی نیز در اختیار همگان قرار گیرد

٤- تجارت و محیط زیست به مسایل زیست محیطی موثر بر تجارت می‌پردازد و شامل استفاده از روش‌های تولید و فراوری با توجه به مقررات زیست محیطی، الزامات بسته بندی، نصب برچسب زیست محیطی و مالیات‌های وضع شده برای اهداف زیست محیطی است

٥- تجارت و سرمایه‌گذاری تجارت به بررسی ارتباط میان تجارت و سرمایه گذاری خارجی (مستقیم) می‌پردازد. پیش از آن، موافقت‌نامه اقدامات سرمایه گذاری مرتبط با تجارت در دور اروگوئه تصویب شده بود. گروه کاری تجارت و سرمایه گذاری، به‌دنبال دستیابی به اصول چند جانبه در زمینه سرمایه گذاری خارجی در چهارچوب سازمان تجارت جهانی است.

۴-نتیجه‌گیری

پس از پایان جنگ جهانی دوم، چند نهاد مهم اقتصادی در دنیا تشکیل شدند که از آن جمله می‌توان به بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) اشاره کرد. اندیشه پدید آوردن یک سازمان جهانی ناظر بر روابط تجاری بین المللی و ساده کننده تجارت جهانی، به سال‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم باز می‌گردد. گات بخشی از منشور سازمان تجارت جهانی بود که در نشست تجارت و اشتغال سازمان ملل متحد در سال ۱۹٤۸ در شهر هاوانا تشکیل شد. گات به‌عنوان تنها ابزار چند جانبه هدایت کننده تجارت جهان از سال ۱۹٤۸ تا زمان تاسیس سازمان تجارت جهانی یعنی سال ۱۹۹۵ باقی ماند و در حدود نیم قرن نقش فعالی در این زمینه داشت. گات به‌دنبال آن بود که با ایجاد تفاهم و درک متقابل و چند جانبه میان کشورها، شرایط با ثباتی را برای انجام تجارت آزاد پدید آورد. تلاش‌های زیادی توسط گات انجام شد تا تعرفه‌های موجود در مبادلات تجاری کشورهای عضو کاهش یابد. چنین تلاش‌هایی در گفتگوهای چند جانبه تجاری که به دور معروفند صورت پذیرفت. تا کنون، هشت دور گفتگو در تاریخ تشکیل گات انجام شده که در هر کدام از آن‌ها، گام‌های اساسی برای آزادی تجارت جهانی برداشته شده است. به‌عبارت دیگر، مهمترین هدف گفتگوهای گات در این هشت دور، از بین بردن موانع و محدودیت‌هایی بود که در راه مبادله آزاد، قرار داشت. اسناد نهایی گفتگوهای دور اروگوئه در سال ۱۹۹٤ در مراکش توسط اعضای گات امضا شد و بدین ترتیب سازمان تجارت جهانی شکل گرفت و WTO از اول ژانویه ۱۹۹۵ جانشین گات شد.

در بخش خدمات نیز موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تجاری خدمات (گاتس) شکل گرفت. منظور از خدمات، آنگونه که در متن (گاتس) آمده، فعالیت‌هایی مانند امور بانکی، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های مخابراتی، خدمات فرهنگی ـ ورزشی و تفریحی می‌باشد.

نباید فراموش کرد که با ایستادن در برابر تجارت جهانی، نمی‌توان از وقوع یا پیشرفت آن جلوگیری کرد. عضویت در سازمان، به معنی پذیرش تمام نتایج و مصوبات دور اروگوئه است و وجه تمایزاتی با گات دارد، اول آنکه در جنبه‌های حقوقی، قدرت بیشتری به این سازمان داده شده است. گات توافقنامه‌ای بدون قدرت اجرایی بود ولی سازمان تجارت جهانی دارای قدرت اجرایی است. دوم آنکه کشورها در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، مشارکت کنندگان قراردادی محسوب می‌شدند ولی در سازمان تجارت جهانی، کشورها، عضو سازمان هستند. سوم اینکه گات تجارت کالا را در برمی‌گرفت ولی سازمان تجارت جهانی خدمات و حتی مالکیت فکری را نیز در برمی‌گیرد. به‌دلیل همین ویژگی‌های برجسته سازمان تجارت جهانی است که هم اکنون حدود ۱۵۰ کشور جهان با در اختیار داشتن بیش از ۸۰ درصد تجارت جهانی، عضو سازمان تجارت جهانی بوده و بعضی از کشورهای دیگر نیز در حال مطالعه برای پیوستن به این سازمان می‌باشند.

اساس WTO را توافقنامه‌های این سازمان تشکیل می‌دهند که توسط کشورهای عضو تصویب شده است. این توافقنامه‌ها که برای ساده کردن و سرعت بخشیدن به تجارت جهانی تدوین شده‌اند، مانند پیمان‌هایی هستند که حقوق اصلی تجارت کشورهای عضو را تضمین می‌کنند. همچنین این توافقنامه‌ها، دولت‌های عضو را ملزم می‌کنند تا سیاست‌های تجاری خود را در چارچوب محدویت‌های توافق شده که به‌نفع همه اعضاست قرار دهند. هدف توافق‌های انجام شده، کمک به تولیدکنندگان، صادر کنندگان و وارد کنندگان کالا و خدمات و افزایش سطح آسایش و رفاه کشورهای عضو است.

نظامی که برای تعیین و اعمال استانداردها در سازمان تجارت جهانی وجود دارد، به سیستم جهانی تبدیل شده و همه کشورهای جهان از آن پیروی می‌کنند. به همین جهت تجارت جهانی را به‌شدت متاثر کرده است. در این نظام :

- کشورها نمی‌توانند مقررات فنی و استانداردها را فقط برای محصولات وارداتی اعمال نمایند و از اعمال چنین استانداردهایی برای محصولات داخلی اجتناب ورزند. به‌عبارت دیگر، رفتار تبعیض آمیز در مقررات حاکم بر محصولات وارداتی و کالاهای داخلی مجاز نمی‌باشد.
- اصل بر شفافیت مقررات و استانداردهاست، بنابراین باید انتشار استانداردها و مقررات به‌گونه شایسته‌ای صورت گیرد و واحدهای پاسخگویی تاسیس شده و اطلاعات مورد نیاز درخواستی را ارایه نمایند.
- به‌منظور کاهش تشتت در استانداردهای ملی و یکسان سازی آن‌ها، استفاده از استانداردهای جهانی به‌عنوان مبنایی برای تدوین استانداردهای ملی توصیه شده، اما در صورتی‌که استانداردهای ملی تنظیم می‌شود، باید این‌گونه مقررات و استانداردها مبتنی بر اصول علمی باشند.
- انعطاف لازم برای کشورها، در مقابله با خطرات احتمالی و اتخاذ مقررات و استانداردهای لازم بدون توجه به مبنای علمی و فقط از طریق ارزیابی خطرات بالقوه وجود دارد.

۵- مراجع

۱. پورشمس، اعظم، "آشنایی با مسایل بانکی تجارت جهانی،" ماهنامه استاندارد، سال ۱۳، شماره ۱۲۷، ص ٤۲-۳۸، ۱۳۸۱.

۲. شیرودی، مرتضی، "ایران از GATT تا WTO،" ماهنامه استاندارد، سال ١٤، شماره ١٤٠،ص ٢٤-٢٠، ۱۳۸۲.

۳. شیرودی، مرتضی، "آشنایی با سازمان تجارت جهانی،" ماهنامه استاندارد، سال ١٤ شماره ۱۳۹ ص ۲۱-۱۹، ۱۳۸۲.

4. www.wto.org- “Benefits of the WTO Trading System,”.
5. www.wto.org
6. Young , Alwyn” Learning by Doing and the Dynamic Effects of International Trade,” Quarterly Jounal of Economics 106 :369-405 (1999).

که در برخی موارد مغایر و یا ناسازگار با مقررات سازمان تجارت جهانی می‌باشد و این امر ممکن است بهره‌مندی هرچه بیشتر این کشورها را از شرایط تجارت آزاد، خدشه‌دار سازد لذا تلاش در جهت رفع آنها برای هر کشوری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. برای نمونه، مقررات و اصول این سازمان ممکن است در برخی از امور با اصولی از قوانین هر کشوری از جمله قانون اساسی، قوانین بانکداری، بیمه، سرمایه‌گذاری خارجی و... در ناسازگاری مستقیم یا غیر مستقیم قرار داشته باشد لذا کشوری که خواهان عضویت می‌باشد مستلزم آن است که تغییراتی را بوجود آورد تا ضمن حفظ ارزش‌های حاکم بر نظام اقتصادی - حقوقی خود، زمینه‌های حقوقی لازم و مناسب برای الحاق به سازمان تجارت جهانی را فراهم سازد.

یادآور می‌شود که در کنار فراهم نمودن زمینه‌های حقوقی لازم جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی، ابعاد اقتصادی مساله نیز بسیار حائز اهمیت و درخور توجه است. چنانکه در بعد موانع و محدودیت‌های اقتصادی می‌توان به تاثیر عضویت بر بخش‌های مختلف اقتصاد و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل آنها اشاره نمود.

لزوم تطبیق برخی از قوانین و مقررات حاکم بر کشور

در خصوص تطبیق قوانین می‌توان به دو بعد اساسی به طور مختصر اشاره نمود:

الف- بررسی سازگاری یا ناسازگاری قوانین کلان موثر در سیاستگذاری‌ها.

ب - بررسی سازگاری یا ناسازگاری قوانین موضوعی- تخصصی موثر.

۱ -قانون اساسی کشور

۲ -قانون انحصار تجارت خارجی

۳ -قوانین و مقررات صادرات و واردات

قانون اساسی

با توجه به آنکه قانون اساسی در هر کشور به عنوان روح حاکم بر کلیه قوانین از اولویت و اهمیت بسزایی برخوردار است، لذا توجه به اصولی از این قانون که تعارضاتی را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با قواعد سازمان آشکار می‌سازد ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اصل ۴- کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر آنها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر عموم اصول قانون اساسی و قوانین و مقررتت دیگر حاکم است و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است.

در بند ۴ از ماده ۱۶ موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی(که هر عضو را ملزم به تطبیق قوانین و آئین‌نامه‌های اداری خود با تعهداتش در گات می‌نماید) و یا ماده۳۳ موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی و غیره از جمله مواردی هستند که تعمق در آنها ضروری می‌باشد تا شفافیت قانونی فراهم آید.

اصل ۴۴- "نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بیمه، بانکداری و.... و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است".

از جمله مغایرت‌های آشکار میان قواعد گات و قوانین کشور در این اصل است که دولتی بودن تجارت خارجی را مطرح می‌نماید. براساس اصول و قوانین گات از جمله اصل دسترسی به بازار موضوع اصل ۱۶، آزادسازی تجاری از جمله اصول اولیه حاکم بر گات می‌باشد که کشورها می‌باید در آغاز پیوستن به سازمان تجارت جهانی آن را مورد توجه قرار دهند.

چنانکه در بند ۸ الف از ماده ۳ گات چنین مطرح می کند که : "مقررات این ماده حاکم بر تهیه محصولات توسط کارگزاری‌های دولتی اعمال نخواهد شد". یا در بند ۲ از ماده ۱۷ گات چنین آمده است که: "مقررات بند ۱ این ماده ناظر بر واردات محصولات برای مصرف فوری یا آتی دولتی نمی‌باشد". همچنین در ماده ۱۳ موافقت‌نامه تجارت خدمات مطرح شده است که: "... مقررات مواد ۲، ۶ و ۷۱ در مورد قوانین مربوط به خرید خدمات توسط موسسات دولتی اعمال نخواهد شد".

به عبارت دیگر محتوای اصل ۴۴ قانون اساسی با اهداف نهایی گات که آزادسازی هرچه بیشتر تجارت خارجی را مطرح می‌سازد ممکن است در سازگاری کامل نباشد و به این منظور ایجاد ساز و کاری میان قواعد گات و قوانین حاکم بر نظام اقتصادی خارجی کشور با انجام تعدیلاتی ضروری است.

اصل ۷۷- "عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد." بدین ترتیب تصویب و تایید مجلس شورای اسلامی در مورد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در مسیر اتخاذ توافقات تجاری لازم‌الرعایه خواهد بود که از این نظر در پروسه اجرایی تنظیم توافقات تجاری توجه به این مسئله و امکان تحقق یا عدم تحقق آن بسیار ضروری است. چنانکه طبق

ساختار سازمانیWTO، هر دو سال یکبار نمایندگان کشورهای عضو به منظور تبادل نظر و اتخاذ توافقات تجاری تشکیل جلسه داده و در صورت نیاز تصمیم‌گیری‌هایی نیز به انجام می‌رسد. لذا ضروری است به منظور تسهیل فرآیند تصمیم‌گیری، رویه قانونی اتخاذ گردد که ضمن نظارت مجلس امکان اتخاذ تصمیمات راجع به توافقات تجاری میسر شود. چنانکه در حال حاضر نیز کلیه قراردادها و توافقات بین‌المللی بایستی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل ۸۱- "دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و موسسات در امور تجاری- صنعتی، کشاورزی .... به خارجیان مطلقاً ممنوع است". بدین ترتیب اقدام به سرمایه‌گذاری خارجی و گسترش آن که یکی از اهداف توافقات تجاری بین‌المللی در چارچوب توافقات مربوط به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت و بسط سرمایه‌گذاری‌های خارجی محسوب می‌گردد، در ناسازگاری با اصل فوق است.

اصل ۱۳۹- "صلح دعاوی راجع به اموال عمومی دولتی یا ارجاع آن به هر داوری در هر مورد موکل به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعاوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند". در این رابطه در توافقات تجاری جهانی، موافقت‌نامه‌ای هم در مورد قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلاف به تصویب رسیده که مطابق با آن مرجع حل اختلاف مسئول رسیدگی به اختلاف تجاری میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌باشد و دخالت مجالس قانونگذاری هیچ یک از کشورهای عضو در این رابطه مطرح نشده است. چنانکه هیات مزبور ضمن رعایت سلسله مراتب و قواعد مشخصی که در این رابطه در نظر گرفته شده است، اقدام به حل اختلاف خواهد نمود و در واقعه تصمیم نهایی در خصوص حل مسائل و اختلافات میان اعضاء توسط این مرجع اتخاذ می‌گردد.

قانون انحصار تجارت خارجی

طبق مفاد مواد (۱)، (۲) و (۳) این قانون محوریت نقش دولت در نظام بازرگانی خارجی مورد تاکید قرار گرفته است. چنانکه به عنوان مثال در ماده (۱) به انحصار دولت در تجارت خارجی اشاره داشته و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات ... و شرایط ورود و صدور آنها ... به دولت واگذار شده است. در ماده (۲) به این نکته اشاره می‌کند وارد کردن هر نوع محصول صنعتی به ایران به جز مواردی که در قانون پیش بینی شده مشروط به شرط حتمی صادرکردن محصولات به ایران است. همچنین در بند الف از ماده (۳) قانون فوق، اجازه وارد کردن محصولات خارجی طبق مقررات خاصی به اشخاصی یا موسسات مختلف غیردولتی داده شده‌است که پیچیدگی‌های بسیار و تنوعات مختلف تصمیم‌گیری و سیاستگذاری

را مطرح می‌کند. چنانکه در قوانین جاری ملاحظه می‌گردد، شرایط ورود کالا در مقاطع زمانی خاص با مقررات مختلفی مواجه است که جمع‌بندی آنها در یک مجموعه منسجم، کار بسیار دشوار و عملاً غیر ممکنی است.

قوانین و مقررات صادرات و واردات

از جمله دیگر قوانین حاکم بر تجارت خارجی که در ناسازگاری با برخی اصول و قوانین حاکم بر گات می‌باشد قوانین و مقررات صادرات و واردات است. به عنوان مثال در ماده ۳ این قانون کالاهای صادراتی به چهار گروه مجاز، مجاز مشروط، غیر مجاز و ممنوع تقسیم شده است که با قوانین گات در خصوص دسترسی به بازار(اصل ۱۶) مغایر می‌باشد. همچنین در ماده ۳۱ از قانون مذکور دولت موظف است واردات کالاهایی را که در داخل کشور به مقدار نیاز تولید می‌شود یا امکانات بالقوه تولید آنها فراهم است را در صورتی که منجر به تورم قیمت کالاهای اساسی نشود غیر مجاز اعلام می‌نماید.

در صورتی که طبق اصول (۱) و (۲) مقررات عمومی تعرفه و تجارت، تجارت بین‌المللی بایستی بر اساس اصل عدم تبعیض استوار باشد و صنایع داخلی بایستی بر اساس تعرفه‌های گمرکی و نه از طریق موانع تجاری یا ممنوعیت ورود حمایت شوند.

در این ارتباط برخی از موارد قانون صادرات و واردات از جمله ماده ۳۴ و ۳۵ ناسازگاری باتوافقات دور اروگوئه و اصول اساسی مقررات عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) دارند که تجدید نظر در موارد قانونی فوق پیش از عضویت در سازمان تجارت جهانی را الزامی می‌نماید.

از سوی دیگر برخی از مواد قانونی تشویق صادرات و تولید مصوب بهمن ۱۳۳۳ با اصلاحات آن، نیز با اصول و قوانین گات سازگار نمی‌باشد. از جمله ماده ۳ که ضمن آن مزایایی برای تولیدکنندگان و صادرکنندگانی که فعالیت‌های خود را معطوف صدور یک یا چند نوع کالا نموده و یا به استخراج و بهره‌برداری از معادن یا ذوب و تصفیه مواد معدنی و تولید محصولات صنعتی اقدام می‌نمایند، در نظر گرفته شده است که در عمل با برخی مواد گات ناسازگار می‌باشد. بعنوان مثال می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- بند ب از ماده ۱۶ (منع وضع یارانه بر صادرات مواد اولیه)،
- ماده ۱۳ (اجرای غیر تبعیضی محدودیت‌های مقداری)،
- ماده ۱۹ (مذاکره در باب تعهدات خاص)

هر چند که مطابق با برخی مفاد موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه از جمله ماده ۲ از موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی و یا ماده ۱۵ از توافقنامه بخش کشاورزی و... استثناهایی بر رفتار کشورهای بخصوص در حال توسعه در نظر گرفته شده، لیکن این استثناءها جنبه کلی نداشته و مفرهای پیش بینی شده در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی دائمی نیستند. لذا اقدام در جهت گسترش تجارت آزاد جهانی بر اساس اصول گات در بلند مدت، کشورها را ملزم به حذف سهمیه‌ها، محدویت‌ها، حمایت‌ها، سوبسیدها، کاهش تعرفه‌ها و تغییر تعرفه‌ها و کاهش و حذف تدریجی تعرفه‌ها خواهد نمود که در این ارتباط تجدید نظر در اصول قانون یاد شده به عنوان اقدامی در جهت عضویت ایران به گات بسیار ضروری است.

موارد دیگری از قوانین تخصصی و موضوعی کشور هستند که در سازگاری کامل با قواعد و اصول سازمان تجارت جهانی نمی‌باشند، تعمق در آنها و ارائه تفاسیر قانونی جدید در جهت روشن‌تر شدن اهداف قانونگذار امری مهم است که بررسی و مطالعه دقیق‌تر این موضوعات در حوزه کارشناسان حقوقی است.

شرایط فعلی اعضاء

در حال حاضر شرایط و وضعیت اعضای متقاضی عضویت در سازمان را می‌توان بصورت زیر دسته‌بندی نمود :

- اعضای اصلی (شامل نمایندگان دوگانه اتحادیه اروپا)،
- کشورهایی که وضعیت آنها بصورت گزارش برای سازمان تهیه شده و یا در حال تامین و تطبیق شرایط هستند،
- اعضایی که کالاها و یا خدماتشان پذیرفته شده،
- کشورهایی که نظام‌نامه یا رژیم تجاری آنها در حال بررسی است،
- اعضایی که فعلاً ناظر می‌باشند،
- کشورهایی که توقف در مذاکرات بوجود آمده است،
- کشورهایی که تاکنون با آنها هیچ مذاکره‌ای صورت نگرفته است،
- مناطق بی میل نسبت به عضویت.

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

با اینکه جمهوری اسلامی ایران در موافقتنامه‌های قبلی حوزه تجارت مانند سازمان جهانی تجارت و گات، حضور نسبتاً خوبی داشته است اما اکنون در خصوص سازمان تجارت جهانی این مساله تکرار نشده و اکنون از متقاضیان الحاق به شمار می‌آید. اولین درخواست ایران برای پیوستن به سازمان تجارت

جهانی در ۱۹ جولای ۱۹۹۶ به این سازمان ارسال شد. ایران در ۲۶ مه ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. گروه کاری ایران برای پیوستن به این سازمان هنوز تشکیل نشده‌است. ایران در آبانماه سال ۱۳۸۸ متن گزارش رژیم تجاری خود را تقدیم دبیرخانه سازمان تجارت جهانی نمود. بعد از آن، گزارش رژیم تجاری ایران در میان اعضای سازمان تجارت جهانی توزیع گردید و اعضای سازمان تجارت جهانی سئوالات خود را از ایران بیان می‌دارند که سری اول سئوالات که شامل ۷۰۰ سئوال می‌باشد به وزارت بازرگانی ایران در اسفند ۱۳۸۸ ارسال شد. اما در خصوص رئیس گروه کاری الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، با آنکه توافق بر سر رئیس گروه کاری الحاق ایران صورت گرفته است، ایالات متحده آمریکا از قرار گرفتن تعیین رئیس گروه کاری الحاق در دستور جلسه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی جلوگیری می‌نماید.

پیشینه تدوین گزارش رژیم تجاری ایران

اولین ویرایش یادداشت نظامنامه تجارت خارجی (گزارش رژیم تجاری ایران) در سال ۱۳۷۸ تهیه شده که طی سنوات بعد متناسب با تغییرات در قوانین و مقررات گزارش اولیه به طور مکرر مورد بازبینی و تکمیل قرار گرفته است. دو ماه پس از پذیرش درخواست الحاق ایران توسط شورای عمومی سازمان جهانی تجارت در پنجم خرداد ماه سال ۱۳۸۴، آخرین ویرایش گزارش رژیم تجاری جهت بررسی و ارائه نظرات دستگاه‌ها، انجام بررسی‌ها و اعمال تغییرات و تعدیلات لازم در سال ۱۳۸۵ به دولت ارائه شد. بررسی درخواست عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت ۹ سال به طول انجامید. به نحوی که تا پنج سال تقاضای عضویت ایران در شورای عمومی سازمان مطرح نشد و پس از طرح نیز تا چهار سال اجماع در این زمینه صورت نگرفت و در نهایت پس از ۹ سال درخواست ایران در پنج خرداد ۸۴ با اجماع کشورها مواجه و پذیرفته شد و ایران به عنوان عضو ناظر پذیرفته شد. تمام این موارد در حالی است که میانگین زمان عضویت دیگر کشورهایی که سال ۱۹۹۵ به این سو، در سازمان عضو شده‌اند حدود هفت سال بوده است .

مراحل الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی

۱. ارائه درخواست الحاق ایران به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی،
۲. تصویب درخواست الحاق ایران در شورای عمومی و تشکیل گروه کاری الحاق ایران،
۳. ارائه نظامنامه رژیم تجاری ایران به سازمان تجارت جهانی،
۴. بررسی و پرسش در مورد گزارش و نظامنامه از ایران و همچنین بررسی شرایط و ضوابط مورد نظر که طی اولین نشست بعدی انجام خواهد گرفت،

۵. در این مرحله که مهمترین مرحله نیز محسوب می‌گردد، ایران با دیگر اعضا وارد مذاکرات چند جانبه می‌شود و به این ترتیب شرایط و ضوابطی که ایران ملزم به رعایت آنها در صورت عضو شدن در سازمان است، مورد بررسی قرار می‌گیرد،

۶. در مرحله ششم که بیشتر اوقات در حین مرحله پیشین انجام می‌گیرد، مذاکرات دو جانبه بین ایران و دیگر اعضا صورت می‌گیرد که باید منجر به توافقی محکم گردد. این توافقات شامل تعهدات و امتیازاتی است که لازم است بین کشورها رعایت گردد،

۷. نتایج مذاکرات ایران در دو مرحله آخر شامل سه سند جداگانه خواهد بود که باید در نهایت به تصویب نهایی اعضای کارگروه برسد.

۷-۱ سند اول شامل خلاصه توافقات و شرایط پذیرش عضویت است.

۷-۲ سند دوم شامل خلاصه مذاکرات بین ایران و دیگر کشورهاست.

۷-۳ سند سوم شامل خلاصه مذاکرات دوجانبه بین ایران و کشورهای عضو دیگر است.

۸. در مرحله ششم گزارشات نهایی به شورای عمومی سازمان ارایه و عضویت قطعی می‌گردد. قابل توجه است که تمامی اسناد مربوط به الحاق هر کشور به سازمان جهانی تجارت در تمامی مراحل مورد بررسی در کارگروه، محرمانه بوده و تنها پس از تصویب شورای عمومی این سازمان قابل انتشار است. پس از تصویب نهایی اسناد الحاقی ایران به سازمان تجارت جهانی در شورای عمومی یا کنفرانس وزیران این سازمان، سه ماه به ایران مهلت داده می‌شود تا مصوبه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی را در مجلس به تصویب برساند. پس از گذشت مهلت ۳۰ روزه، دولت باید این تائیدیه را به اطلاع دبیرخانه این سازمان برساند. پس از گذشت این مراحل، ایران به عضویت کامل و دائم در سازمان تجارت جهانی در خواهد آمد.

آخرین وضعیت الحاق ایران به WTO

پیشنهادی که ایران در سال ۱۳۷۵ برای الحاق به WTO به منظور حفظ منافع کشورمان و استفاده از ظرفیت بازارهای جهانی ارائه داده بود، اکنون پس از گذشت نزدیک به ۱۴ سال از آن درخواست اولیه، الحاق کشورمان به سازمان تجارت جهانی روند جدی‌تری به خود گرفته است.

هر چند اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها شبهه تداخل این دو مهم را به همراه دارد، اما پیوستن به WTO و اجرای هدفمندکردن یارانه‌ها الزاماتی است که از منظر بین‌المللی و اقتصاد داخلی لازم‌الاجرا و انکارناپذیر است.

لازم به ذکر است، پیش از این نیز وزیر محترم بازرگانی از اعلام وصول ۷۰۰ پرسش WTO خبر داده بود که باید توسط ۵۵ دستگاه مرتبط در کشورمان پاسخ داده می‌شد، اکنون پس از گذشت حدود دو سال از اعلام وصول سوالات سازمان تجارت جهانی و اتمام مهلتی که برای پاسخگویی به سوالات تعیین شده بود برخی از دستگاه‌های مس پاسخ‌های خود را به آن وزارتخانه ارائه داده‌اند. در همین حال کارشناسان معتقدند روند الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت ممکن است حداقل هفت سال به طول بیانجامد که البته این مدت ممکن است با توجه به تحریم‌های جدید، طولانی‌تر نیز بشود.

البته زمانبر بودن پاسخگویی به سوالات دور از انتظار نبود لیکن در نهایت باید پاسخ‌ها در کارگروه الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت که متشکل از ۹ وزیر عضو کارگروه که توسط دولت تعیین شده، مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب برسد. علی‌ایحال، در صورت تهیه و ارسال پاسخ‌ها، مرحله بعد از آن، مرحله واقعیت‌یابی است که سیستم تجاری ایران به صورت دقیق بررسی خواهد شد و اگر سوال یا ابهامی باقی مانده باشد مجدداً از ایران پرسیده می‌شود و این فرآیند ارائه سوال از سوی سازمان جهانی تجارت و پاسخ دادن ایران، آن قدر باید انجام شود تا اعضای گروه کاری ایران قانع شوند.

گفتنی است در هفتمین نشست گروه کاری الحاق ایران در می ۲۰۰۹ در ژنو مقر سازمان، هیات نمایندگی ایران به پرسش‌های شفاهی اعضای این سازمان در خصوص رژیم تجارت خارجی پاسخ داده و عملاً بنظر می‌رسد کشورمان وارد فرآیند مذاکرات الحاق به این سازمان شده است. همچنین در کنفرانس جنبی این اجلاس کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری بین کشورهای در حال توسعه (GSTP) که با شرکت وزرای بازرگانی آرژانتین، برزیل، هند، مصر، الجزایر و جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، کشورهای عضو ضمن تشریح چارچوب‌های قانونی موافقت‌نامه GSTP با توجه به اهمیت ۲۲ کشور عضو از حیث اندازه بازار توان اقتصادی و سهم از تولید جهانی، تشکیل آنرا بیانگر تلاش کشورهای جنوب در ایفای نقش موثرتر در شکل دادن به اقتصاد جهانی ارزیابی کردند و همکاری کشورهای جنوب را در جلوگیری از بروز بحران‌های اقتصادی موثر دانستند.

مزایای الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت

هدف اصلی و نگرش ایران به WTO نباید صرفاً الحاق باشد. بلکه هدف اصلی باید توسعه تجارت ملی باشد و تعیین اینکه الحاق به WTO به نفع این توسعه است یا به ضرر آن نیز به نتایج مذاکرات ایران با گروه کاری و نشست شورای عمومی این سازمان باز می‌گردد. این مذاکرات دشوارترین و فنی‌ترین

مذاکرات بین‌المللی است که مستلزم قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالا و برخوردار از اطلاعات و تحقیقات گسترده است.

البته خود الحاق به تنهایی نیز منافعی در بردارد زیرا این امکان را فراهم می‌کند که سیاست‌های تجاری در محیطی با ثبات و با قابلیت پیش‌بینی اتخاذ شوند و در نتیجه راهبرد ملی بلندمدت توسعه‌ای مورد نظر کشور محقق شود. با توجه به اینکه اقتصاد ایران از یک سو وارد کننده حجم عظیمی از کالاها و خدمات از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی می‌باشد و از سوی دیگر صادرکننده نفت و محصولات غیر نفتی به این کشورها نیز هست و با استناد به استراتژی تجاری ترسیم شده در برنامه‌های توسعه اقتصادی که در راستای گسترش صادرات غیر نفتی می‌باشد، گسترش بازارهای کنونی و جستجوی بازارهای جدید امری ضروری است که تحقق چنین هدفی رعایت و احترام به توافقات و مقررات بین‌المللی از سوی ایران را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

مهمترین ثمره الحاق شاید تضمین ثبات رفتار تجاری طرف‌های تجاری در بازارهای صادراتی باشد. بنابراین مزایای الحاق در کشورهایی بیشتر خواهد بود که از مزیت‌های صادراتی برخوردار بوده و صادرات نقش مهمی در سیاست توسعه ملی آنها ایفا می‌کند در این فضا امنیت و قابلیت پیش‌بینی پذیرش بازارهای پیش روی محصولات صادراتی افزایش می‌یابد و ابزارهای حقوقی لازم برای برخورد با رفتارهای تبعیض‌آمیز و غیرمنصفانه فراهم می‌شود.

از مزایای دیگر الحاق، امکان مشارکت در اتخاذ تصمیمات بین‌المللی و امکان تغییر برخی قواعد تجاری در سطح جهانی می‌باشد. همسانی قوانین و مقررات داخلی با مقررات بین‌المللی از دیگر مزایای الحاق است که به امنیت و شفافیت فضای تجاری در کشور کمک می‌کند ولی فراهم‌سازی این فضا در کشورهایی که امکان دارد از واردات لطمه ببینند می‌تواند تهدیداتی را نیز به اقتصاد کشور وارد کند و اقتصاد ملی و تولید داخلی را به مخاطره اندازد. در زیر به برخی از مزایا اشاره می‌گردد:

عمده‌ترین فرصت‌ها و مزایایی که می‌تواند برای اقتصاد ایران روی دهد، عبارتند از:

الف- فرصت‌ها :

۱ -رونق سرمایه‌گذاری خارجی و امنیت اقتصادی بیشتر.
۲ -بی اثر شدن تحریم‌های اقتصادی کشورهای خارجی.
۳ -نفوذ در بازارهای جهانی.
۴ -افزایش نقش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در عرصه جهانی.

۵ -کنترل بر تولید محصولات و کالاها.

۶ -تندتر شدن روند خصوصی سازی.

۷ -افزایش صادرات غیر نفتی.

۸ -افزایش رقابت و کیفیت تولیدات داخلی و رفاه مصرف‌کننده.

۹ -جذب فناوری و تکنولوژی‌های روز دنیا.

۱۰ - ایجاد شفافیت و ثبات در قوانین و مقررات کشور.

۱۱ - بهینه شدن فرهنگ شایسته سالاری و ارتقای سطح علمی کشور.

۱۲ - کاهش ریسک تجاری و اقتصادی.

ب- مزایا :

۱ -در میان‌مدت و بلندمدت منجر به بازنگری پاره‌ای از قوانین و مقررات خواهد شد.

۲ -بازارهای پول و سرمایه، کار، اشتغال، تولید و...رونق بهتری می‌یابد.

۳ -باعث توجه بیشتر به کیفیت کالا و خدمات داخلی و در نهایت افزایش توان رقابت در بازارهای جهانی می‌شود.

۴ -سرمایه‌گذاری ایرانیان مقیم خارج به دلیل بالا بودن بازده سرمایه‌گذاری در ایران افزایش می‌یابد.

۵ -انتقال فن‌آوری، تجربیات و مهارتهای مربوط به مدیریت بازاریابی به ایران.

۶ -ثبات و استمرار قوانین و قانونمندی که لازمه پیشرفت اقتصاد کشور است.

۷ -سرمایه‌گذاران امکان برنامه‌ریزی بلندمدت خواهند یافت.

۸ -افزایش و ایجاد آزادی عمل بیشتر و رقابت در بازار داخلی برای تولید و صادرات کالاهای غیر نفتی.

۹ -امکان دسترسی ایران به بازاری مداوم و مطمئن.

۱۰ -امکان حل اختلافات تجاری به روش آسان‌تر و مناسب‌تر.

۱۱ -حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرنفتی.

۱۲ -توزیع عادلانه منافع در سطح جهان.

۱۳ -ملزم نمودن اعضا به همکاری و توافق جمعی.

تهدیدها و زیان‌های الحاق

در خصوص برخی تهدیدات ناشی از الحاق کشور به سازمان تجارت جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

یکی از نقاط تهدید ناشی از الحاق به WTO پذیرش مطلق حقوق کمتر و تعهدات فراتر از سازمان تجارت جهانی است که امکان دارد در فرآیند مذاکرات به کشور متقاضی تحمیل شود و البته تا زمانی که الحاق پایان نیافته است، الزامات الحاق تعهدآور نیستند ولی از کشورهای در حال الحاق انتظار می‌رود که اقدامات محدودکننده اعمال نکنند، ضمن اینکه ایجاد گشایش اساسی در بازار آنها منوط به عضویت کامل در این سازمان است تا انگیزه دائمی و ملموس برای انجام سریع مذاکرات ایجاد شود.

نظام تعرفه‌ای برخی کشورهای عضو WTO تعرفه یک ستونه و برخی دیگر تعرفه چند ستونه است. ساختار تعرفه‌ای یک ستونه شامل یک دسته از نرخ‌ها، صرف نظر از منبع کالاها و مبدا آنها و سایر عوامل است. برعکس تعرفه چند ستونی امکان وجود چند نرخ تعرفه را برای هر طبقه از کالاها میسر می‌سازد. در نظام تعرفه چند ستونی برخی از کشورها مشمول نرخ تعرفه پایین می‌شوند و برخی مشمول نرخ تعرفه بالاتر قرار می‌گیرند و به این ترتیب ساختار نظام تعرفه چند ستونی با برقراری تبعیض بین کشورها همراه است. برای مثال برخی کشورهای عضو WTO دارای تعرفه یک ستونی هستند و برای واردات خود از کشورهای غیر عضو درست همانند کشورهای عضو عمل کرده و تعرفه‌های تبعیض‌آمیزی مقرر نمی‌کنند. بنابراین یک کشور غیرعضو می‌تواند از این فرآیند منتفع شود زیرا هیچ تعهدی را متقبل نشده ولی از تعرفه‌های مشابه با دیگر کشورها به نفع صادرات خود منتفع می‌شود. این شرایط موجب می‌شود که برخی کشورها بتوانند از منافع آزادسازی تجارت بدون تقبل هیچ گونه تعهد متقابل استفاده کنند که به این امر، سواری مجانی می‌گویند که البته این کشورها از جهات دیگر متضرر می‌شوند، زیرا عدم انجام آزادسازی آنها را از منافعی مانند افزایش رقابت، کاهش هزینه و ... محروم می‌کند.

۱ -دیدگاه اقتصادی در کوتاه‌مدت (ناکارآیی نظام اقتصادی به بخش‌های خدماتی نظیر بانکداری، بیمه، حمل و نقل و اشتغال) آسیب خواهد رساند.

۲ -حذف یارانه کالاها.

۳ -دریافت حقوق مالکیت معنوی و علامت تجاری.

۴ -تک‌نرخی شدن ارز و یکی شدن تعرفه‌های کالاهای وارداتی(کاهش تعرفه‌ها).

۵ -تشدید مسائل سیاسی در کشورها.

۶ -اعمال نفوذ سیاسی با استفاده از قدرت در WTO .

۷ -لطمه دیدن روند تولید کالاها و خدمات.
۸ -از بین رفتن اشتغال و توسعه فقر در کشور.
۹ -کاهش قدرت رقابتی کشور.
۱۰ -امکان افزایش کسری تراز بازرگانی.

موانع موجود بر سر راه پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی

۱ -ساختار فعلی **WTO** ،
۲ -ساختار حمایتی و غیر رقابتی در اقتصاد،
۳ -اقدمات غیرعادلانه، عدم برنامه‌ریزی دقیق و کارآ و عدم توافق تصمیم‌گیران،
۴ -حمایت‌های سنتی از برخی صنایع داخلی،
۵ -وجود یارانه در بخش‌های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعتی و...)،
۶ -وجود عوارض و تعرفه‌ها در کالاهای وارداتی،
۷ -لزوم حذف عوارض گمرکی بسیاری از اقلام و کالا،
۸ -عدم پذیرش تفکر ادغام اقتصادی در اقتصاد جهانی،
۹ -صنایع ناکارآمد، ناتوانی در رقابت و ضعف تکنولوژی،
۱۰ -صادرات تک‌محصولی و عدم تنوع تولید و صادرات،
۱۱ -پیش‌نیازها و الزام‌های نظم‌پذیری و قانونمندی تجارت جهانی،
۱۲ -توجه به آرمانگرایی و ارزشهای اخلاقی(تجارت جهانی عاری از ارزشهای اخلاقی است)،
۱۳ -عدم ساماندهی ساختار اقتصاد (ملی) و ثبات اقتصادی،
۱۴ -مشکلات ناشی از قوانین و مقررات،
۱۵ -موانع سیاسی و کشورهای مخالف عضویت ایران در **WTO** بخصوص آمریکا،
۱۶ -فرهنگ بازار سنتی،
۱۷ -اقتصاد دولتی، انحصارات دولتی و کارایی پایین،
۱۸ -نبود زیر ساختهای مناسب و لازم،
۱۹ -عدم دسترسی به بازارها و تصمیمات جهانی،
۲۰ -افزایش وابستگی به صدور نفت و گاز،
۲۱ -افزایش هزینه‌های تولید و سطح عمومی قیمتها،
۲۲ -مواجه با مشکل کمبود ارز و کاهش ارزش پول ملی در میان مدت و بلند مدت،
۲۳- پائین بودن کیفیت کالاهای تولید شده داخلی،
۲۴- تضعیف موقعیت سیاسی و اقتصادی کشور در جهان،

چالش‌های سازمان تجارت جهانی برای کشورهای در حال توسعه

متقاضیان عضویت در سازمان تجارت جهانی امیدوارند که با ادغام در نظام بازرگانی بین‌المللی به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی بیشتری دست یابند. اما مطالعه عملکرد اقتصادی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی حاکی از نتایج مختلفی است که عاید این کشورها شده است. کشورهایی که دارای بنیه اقتصادی ضعیف‌تری بوده‌اند با اجازه ورود به شرکتهای خارجی صنایع داخلی خود را در شرایط دشواری قرار داده‌اند. برای نمونه صنایع خودروسازی مراکش که از نخستین اعضای سازمان تجارت جهانی بوده است، با ورود خودروهای اروپایی صدمات زیادی متحمل شدند. اما از سوی دیگر چین با تغییر تدریجی سیاست‌های اقتصادی حمایتی خود نظیر یارانه‌ها تجربه بهتری از عضویت در سازمان تجارت جهانی داشته است.

یکی از مهمترین مشکلات سازمان تجارت جهانی برقراری ثبات در روابط تجاری دولت‌ها نبوده، بلکه ایجاد ثبات در سیاست‌های تجاری در داخل کشورهاست. کشورهای متقاضی عضویت برای انطباق قوانین داخلی خود با مقررات این سازمان دچار دشواری‌های زیادی شده‌اند و گاه مجبور به تصویب، تغییر و بازنگری در بسیاری از قوانین و لوایح حقوقی می‌شوند. به عنوان مثال چین با وجود آنکه قریب به سه هزار قانون و لایحه را تغییر داده است، همچنان دچار مشکلات متعددی با مقامات محلی برای اجرای تعهدات خود در قبال سازمان تجارت جهانی بوده و با شکایت‌های متعددی از سوی سایر اعضا روبرو می‌باشد. اما از نگاه بنیانگذاران و حامیان سازمان تجارت جهانی، تبادل آزاد کالا و خدمات در دنیا به افزایش رشد اقتصادی ملت‌ها، ارتقای سطح زندگی مردم، ترویج دموکراسی و بالاخره برقراری صلح و ثبات در جهان منجر می‌شود. موافقان سازمان تجارت جهانی تاکید می‌کنند که تعهد کلیه اعضا به اجرای قوانین این سازمان به تدریج موجب بهبود نظام قضایی آنها، برقراری حکومت قانون و هماهنگی بیشتر با جامعه بین‌المللی خواهد شد. این امر به نوبه خود کشورهای دیکتاتوری و استبدادی را به سوی جامعه‌پذیری سوق داده و آنها را مجبور خواهد نمود که نه فقط درهای اقتصادی بلکه دروازه‌های نظام سیاسی خود را نیز گشوده و دموکراتیزه نمایند. اما نگاهی به نظام سیاسی بسیاری از کشورهای عضو که چندان هم دموکراتیک نیستند نشان می‌دهد که پیوستن به سازمان تجارت جهانی لزوماً و یا حداقل در کوتاه‌مدت به برقراری یک دموکراسی تمام عیار در کشورها نمی‌انجامد.

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد می‌کنند که کشورهای توسعه نیافته که با کمبود

سرمایه و تکنولوژی روبه‌رو هستند می‌توانند با جلب سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های چند ملیتی این مشکل را رفع نمایند. شرکتهای چند ملیتی در گزارشات خود علت عدم فعالیت در ایران را تضاد سیاسی آن با آمریکا ذکر کرده‌اند. این تضاد سیاسی حتی پیوستن ما به **WTO** را مشکل ساخته چرا که درخواست عضویت ما با وتوی آمریکار روبه‌رو می‌شود.

تاثیرگذاری الحاق بر سایر بخش‌ها

در بخش صنعت می‌توان با بررسی شاخص‌های ارزیابی صنعتی ایران از جمله ارز بری، ارزش افزوده، استعمال، نرخ دستمزدها، بهره‌وری و ... میزان تأثیرگذاری را تعیین نمود. به لحاظ موقعیت داخلی، تنها برخی از صنایع کشور نظیر صنایع غذایی یا نساجی از مزیت و جایگاه نسبتاً مطلوب در مقایسه با سایر صنایع برخوردار می‌باشند لیکن از دیدگاه مقایسه تطبیقی در سطح بین‌المللی اغلب صنایع کشور از مزیت نسبی ضعیفی برخوردار می‌باشند که به راحتی قدرت رقابت آنها را در صحنه بین‌المللی فراهم نخواهد ساخت.

الف- صنعت بیمه

با توجه به قوانین و مقررات موجود در زمینه صنعت بیمه در ایران از جمله قانون اساسی و قانون بیمه، می‌توان گفت که در زمینه گسترش و آزاد سازی صنعت بیمه موانع قانونی متعددی وجود دارد که باید برای رفع آنها در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی اقداماتی را انجام داد و به عبارت دیگر زمینه را برای الحاق به این سازمان آماده کرد. برخی از موانع مذکور را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱) براساس قوانین و مقررات بیمه، یکی از وظایف و اختیارات بیمه مرکزی، انجام بیمه‌های اتکایی اجباری است. براساس قانون کلیه شرکت‌های بیمه ایرانی موظفند انجام کلیه امور واگذاری اتکایی مازاد بر توان نگهداری خود را ضمن رعایت کلیه قوانین و مقررات مربوط و پس از انجام اتکایی فیمابین نزد بیمه مرکزی ایران واگذار کنند.

۲) بر اساس قانون، شرکت‌های بیمه موظفند ۲۵ درصد از حق بیمه‌های خود را در رشته‌های غیر زندگی و ۵۰ درصد از حق بیمه‌های خود را در رشته بیمه‌های زندگی، نزد بیمه مرکزی ایران به صورت اتکایی واگذار کنند.

۳) مطابق اصول ۴۴ و ۸۱ قانون اساسی: اولاً صنعت بیمه دولتی تلقی گردیده است و ثانیاً امکان مشارکت شرکت‌های خارجی در سیستم بیمه‌ای کشور ممنوع شده است. البته با توجه به مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام و تایید مقام معظم رهبری، این مانع قانونی برای ایجاد

شرکت‌های غیر دولتی و خصوصی به مقدار زیادی مرتفع گردیده است و می‌توان به ایجاد حداقل ۱۰ شرکت خصوصی و رشد تقریبی ۲۵ درصدی این شرکت‌ها در فعالیت‌های این صنعت اشاره کرد.

۴) مواد ۳۵ و ۴۵ قانون بیمه ایران: شروع فعالیت موسسات بیمه خارجی در ایران و واگذاری سهام موسسات بیمه ایرانی غیردولتی به اشخاص حقیقی تبعه خارج تا ۲۰ درصد با موافقت بیمه مرکزی و بیش از آن با پیشنهاد بیمه مرکزی و تایید شورای عالی بیمه و تصویب هیئت وزیران میسر خواهد بود، در حالی‌که بر اساس ماده ۱۶ توافقنامه **GATS** مشارکت سرمایه خارجی از لحاظ حداکثر درصد سهام یا کل سرمایه خارجی مشمول هیچ گونه محدودیتی نیست. همچنین هیچ عضوی نمی‌تواند برای عرضه‌کنندگان خارجی محدودیتی را از لحاظ تعداد عرضه کنندگان خدمات برقرار کنند. ضمناً در مورد اخیر، انتقال سود سهامداران خارجی در هر سال نباید از ۱۲ درصد مجموع سرمایه پرداخت شده و سود انتقال نیافته سالهای قبل تجاوز کند.

۵) مواد ۴۶ و۵۰ قانون بیمه: در این مواد به مواردی دال بر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی بر سر راه فعالیت موسسات بیمه‌ای خصوصی و خارجی اشاره شده است.

ب- اثرات الحاق بر صنعت خودروسازی

صنعت خودروسازی و صنایع وابسته به آن متکی به عواملی درونی و برونی همچون کیفیت، قیمت و رضایت مشتری است. با توجه به تصمیم ایران جهت ورود و پیوستن به **WTO** لازم است الزامات آن را مهیا نماید. در زیر به برخی موارد این صنعت و ویژگی‌های خاص محیطی آن اشاره می‌گردد:

۱- اصل اساسی رضایت مشتری است.

از آنجا که رقابت بر سر تصاحب سهم بازار بیشتر از طریق رضایت مشتریان، اصل اساسی هر فعالیت تجاری است. ابعاد رقابتی این موضوع اساس تدوین برنامه‌ریزی راهبردی را تشکیل می‌دهد.

۲- ابعاد رقابتی سه عامل کیفیت، هزینه و تحویل به موقع محصول.

کیفیت خودرو به اجزاء و قطعات متشکله آن بستگی دارد. هر قدر کیفیت بهتر و برتر باشد عمر و میزان کارکرد خودرو بیشتر خواهد بود. شرکت‌های خودروساز در ایران وظیفه ساخت بسیاری از قطعات را به شرکت‌های قطعه‌ساز واگذار نموده‌اند. این قطعه‌سازان جهت کاهش هزینه‌های تولید از

مواد اولیه بی‌کیفیت یا ضعیف استفاده نموده که همین موضوع باعث شده رضایت مشتریان به شدت کاهش یابد. براساس نتایج یک تحقیق غیر علمی، وضعیت قطعه‌سازان در بعد رقابتی کیفیت، متوسط به بالا ارزیابی شده است. اما در صورت در نظر گرفتن موارد زیر می‌توان گفت که کیفیت در قطعه‌سازی ایران وضعیت مناسبی ندارد.

- اکثر قطعه‌سازان پاسخ دهنده از شرایط عمومی مناسبی برخوردار بوده‌اند.
- بجز ۳ شرکت دارای امتیاز۴/۵ ، هیچ شرکتی از امتیاز ۴/۱ به بعد را کسب نکرده است.
- موقعیت ۶۲ قطعه ساز پاسخ دهنده در زمینه بعد رقابتی قیمت تمام شده قطعات تولیدی در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

وضعیت متوسط به بالای شرکتهای پاسخ دهنده در این زمینه با توجه به موارد زیر امید بخش نیست.

الف) قیمت‌ها با توجه به یارانه‌های فراوان انژری و سایر موارد به دست آمده است. در صورت حذف کامل یارانه‌ها، قیمت‌ها غیرقابل توجیه خواهد شد.

ب) بسیاری از قطعه سازان قیمت تمام شده قطعات خود را غیر استاندارد و بدون سیستمی مدون و به طور تقریبی محاسبه می‌کنند.

ج) پاسخهای مورد استفاده در نمودار متعلق به قطعه سازان سطح بالا و معتبر ایران است .

۳- برنامه‌ریزی، سرمایه‌گذاری و آموزش،

۴- طراحی، استقرار و یکپارچه‌سازی سیستم‌ها.

در کنار مشکلات موجود، فرصتهایی نیز برای این صنعت مهیا می‌شود که در صورت بهره‌برداری مناسب و به موقع امکان دارد موجب شکوفایی صنعت شود:

- ارزان بودن نسبی هزینه نیروی کار و برخی از اقلام هزینه‌های تولید مانند انژری(به علت حذف هزینه‌های حمل و نقل).
- پدید آمدن بازارهای وسیعتری از نظر بازاریابی در برابر شرکتها و در صورت استفاده از آن و افزایش تولید، امکان صرفه جویی وجود خواهد داشت.
- امکان تأمین مواد اولیه با کیفیت و قیمت رقابتی متناسب با بازارهای جهانی.
- امکان تأمین سرمایه از بازار سرمایه بین‌المللی.
- امکان استفاده از تسهیلات و کمکهای فنی و مشاوره‌ای .

- امکان استفاده از آخرین دستاوردهای فناوری (نرم‌افزار و سخت‌افزار).

همزمان با فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌هایی فراروی ما وجود دارد که می‌بایست با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده از فرصت‌ها و قوت‌ها بنحو مطلوب استفاده، تهدیدها تبدیل به فرصت و ضعف‌ها برطرف گردند :

تهدیدهای بخش صنعت خودروسازی

افزایش قیمت تمام شده کالا به دلیل حذف برخی یارانه‌ها از جمله :

الف- انرژی، آب، برق، تلفن.

ب - نیروی کار (به دلیل حذف یارانه کالاهای اساسی مانند نان، گوشت، شیر و ...)

پ- کالاهای معنوی (نرم افزارهای رایانه‌ای، دانش فنی، کتاب.....)

ت- از دست دادن نیروی کار متخصص و کارآمد به دلیل گسترده شدن بازار کار

ث- گسترده شدن حق انتخاب مشتری به خاطر باز شدن بازار و حضور رقبای بین‌المللی

ج- هزینه‌های کوچک سازی و خروج از کسب و کار برای بالا بردن بهره‌وری

چ- بالا بودن هزینه مبادله

قوت‌ها

الف- از آنجایی که پیوستن به سازمان تجارت جهانی یک رشد تدریجی را به دنبال خواهد داشت، امکان استفاده تولیدکنندگان از مزایای یارانه‌ای تا مرحله نهایی از قبیل ارزانی انرژی و منابع انسانی برای دوره رشد وجود خواهد داشت.

ب- وجود پتانسیل فنی نسبتاً مناسب و امکانات وسیع نیمه خودکار تولیدی که در حال حاضر در شرکت‌های خودروساز و قطعه ساز وجود دارد.

پ- انعطاف‌پذیری تولیدی که می‌تواند سیستم تولید را متناسب با نیاز به سوی سایر تولیدات تغییر دهد.

ت- اتکا کمتر قطعه سازان به سیستم حمایتی بانکها.

ث- برخورداری از کیفیت متوسط و رو به بالای قطعات و مجموعه‌های خودرویی.

ج- وجود درصد بالای مواد اولیه خارجی و عدم تکیه بر ارزهای ترجیحی و مواد سهیمه بندی

شده.

چ- وجود درصد زیادی از کارکنان تحصیلکرده با مدارک دانشگاهی در اینگونه شرکت‌ها.

ضعف‌ها

الف- ضعف اطلاعات و آمار.

ب- ضعف فناوری و دانش فنی.

پ- ضعف بهره‌وری(نیروی کار، ماشین و...).

ت- کمبود سرمایه‌گذاری و نقدینگی.

ث- اکثر شرکت‌ها متخصص در قطعه سازی نیستند.

ج- ضعف کیفیت و عدم رعایت استانداردها.

چ- ضعف بازاریابی.

ح- ضعف مدیریت و برنامه‌ریزی.

خ- ضعف خدمات پس از فروش.

د- ضعف شناخت فضای رقابت بین‌المللی.

ذ- ضعف سرمایه‌گذاری جهت کسب دانش فنی.

به نظر می‌رسد تدوین برنامه راهبردی جهت بخش صنعت خودروسازی و قطعه سازی، یکی از بهترین و موثرترین راه حل باشد. بدین منظور لازم است فرصتها و تهدیدات کلیدی خارجی با ضعف‌ها و قوت‌های داخلی این صنعت مقایسه شده و راهکار صحیح انتخاب گردد. در واقع مقصود اصلی سازندگان داخلی، می‌بایست استفاده از موقعیت قوی یا غلبه بر موقعیت ضعیف باشد. حداکثر کردن قوت‌ها، تبدیل فرصت‌ها به قوت‌ها، جلوگیری از بالفعل شدن تهدیدات و حداقل کردن نقاط ضعف، مواردی هستند که باید در تدوین راهبرد صنعت مورد توجه قرار گیرند.

در مرحله نهایی کردن برنامه‌ریزی راهبردی ابعاد رقابتی کیفیت، هزینه و تحویل به موقع محصول نیز مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادها و راهکارهای مورد لزوم

۱- شرکت‌های کوچک برای پوشاندن ضعف‌های اطلاعاتی از بازار بین‌المللی، فناوری و دانش فنی، سرمایه، کیفیت تولید و مدیریت همکاری و مشارکت داشته باشند تا بتوانند با سرمایه بیشتر امکان جذب مدیران شایسته‌تر، خرید دانش فنی و فناوری جدیدتر، تشکیل واحد بازاریابی قوی‌تر، بر ضعف‌های خود فائق آیند و بتوانند خود را برای بازار رقابتی آماده سازند.

۲- شرکت‌ها از تنوع تولید به سمت تخصصی شدن تولید گام بردارند تا قدرت رقابتی خود را افزایش دهند.

۳- طی دوره تدریجی انطباق با سازمان تجارت جهانی، در صورتی که شرکت‌ها بتوانند از فرصت‌های بازار بسیار وسیع در پیش رو، راهبرد "صرفه جویی در مقیاس " را در پیش بگیرند، این امکان وجود خواهد داشت تا با استفاده از پتانسیل فنی نسبتاً مناسب، تأمین مواد اولیه با کیفیت بهتر، تأمین سرمایه از بازارهای مالی در پیش رو، بقا خود را در دوره رقابت کاملا فشرده بعدی تضمین نمایند.

۴- در جهت خرید امتیاز (مارک تجارتی) و یا سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های معتبر بین‌المللی در این زمینه بکوشند.

ج- اثرات الحاق بر بخش کشاورزی

بر اساس شواهد موجود می‌توان گفت که بخش کشاورزی چندان متاثر از تغییر و تحولات مستقیم نرخ‌های کمی تعرفه (که مورد درخواست توافقات اخیر سازمان تجارت جهانی است) نمی‌باشد و به عبارتی کاهش نرخ‌های تعرفه با توجه به نرخ تعرفه موثر معمول در این بخش، تاثیر معنی‌داری بر ارزش واردات کالاهای کشاورزی نداشته باشد. در صورتی که در این بخش محدودیت‌ها و موانع غیر تعرفه‌ای هستند که در تجارت کشاورزی و خصوصاً در حجم واردات موثر می‌باشند و تعدیل در این موانع جزء یکی از اصول مهم سازمان تجارت جهانی است.

کشور ما در طی سال‌های متمادی از جمله صادرکننده‌های ۱۶ محصول تولیدی عمده کشاورزی در دنیا به حساب می‌آمده‌است. جالب است بدانیم که کشور ما در طی سال‌های اخیر، تنها در بخش کشاورزی توانسته است مزیت نسبی(تولید بیش از یک درصد تولیدات جهان) را داشته باشد و این، نوید وجود ظرفیت مناسب سرمایه‌گذاری و بهره‌وری را در بخش کشاورزی بیان می‌دارد. پسته،

زعفران، پیاز و انگور از جمله این موارد به شمار می روند.

در همین راستا، عمده‌ترین سیاست‌های حمایت از کشاورزان به دو طریق حمایت قیمتی (قیمت تضمینی) و حمایت نهاده‌ای(اعطای یارانه به کود شیمیایی، سموم، علف‌کش، سوخت و اعتبارات دیگر) می‌باشد.

از آنجایی که بررسی پیامدهای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی از دیدگاه بخش کشاورزی به اصول و ضوابطی مربوط می‌شود که در موافقتنامه‌های مختلف کشاورزی این سازمان اشاره شده که عمدتاً بر کاهش تدریجی تعرفه‌ها و موانع تعرفه‌ای و کاهش حمایت‌ها تاکید می‌کند. در تحقیقی که توسط پژوهشگری از دانشگاه صنعتی امیرکبیر بر روی برخی از کالاهای منتخب کشاورزی انجام شده، نتایج زیر اعلام شده است :

الف- اغلب کالاهای منتخب این بخش در نرخ ارز بازار فاقد هرگونه حمایت هستند.

ب- از محصول استراتژیک گندم نه تنها حمایتی به عمل نمی‌آید، بلکه تولیدکنندگان این محصول در ایران در واقع به نوعی مشمول پرداخت مالیات می شوند.

پ- در مورد تعرفه های گمرکی و سود بازرگانی محصولات کشاورزی، موافقتنامه دور« اروگوئه» بر ۲۴ درصد کاهش در خلال ۱۰ سال برای کشورهای در حال توسعه تأکید دارد که با توجه به نرخ متوسط تعرفه‌ها (حدود ۲۵ درصد) که البته انجام این کاهش چندان مشکل به نظر نمی‌رسد.

ت- در ارتباط با تبدیل موارد غیرتعرفه‌ای به تعرفه نیز به شرط آنکه بتوان با محاسبات کارشناسی دقیق معادلات آن را به تعرفه‌های موجود اضافه کرد، می‌توان نگرانی ناشی از کاهش تعرفه‌ها را به میزان قابل توجهی مرتفع کرد و نیز طبق موافقتنامه مذکور، مقررات کلیه موانع غیرتعرفه‌ای حذف و طبق محاسباتی به معادل تعرفه‌ای تبدیل و به تعرفه‌های موجود اضافه می‌شود.

ث- باالحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و کاهش حمایت‌ها، در واقع مالیات پرداختی تولیدکنندگان کاهش یافته و منجر به سودآوری بیشتر و احتمالاً افزایش تولید و کاهش واردات این محصول می‌شود.

ج- همه محصولات کشاورزی مشمول موافقتنامه کشاورزی در سند نهایی دور «اروگوئه» در ایران دارای موانع غیرتعرفه‌ای هستند و ورود بسیاری از محصولات کشاورزی ممنوع و بخش عمده‌ای منوط به ارائه مجوزهای متعددی از وزارتخانه های مختلف بوده است.

لذا با توجه به اینکه در وضعیت فعلی سهم بالایی از تجارت جهانی در اختیار **WTO** است و مرتباً بر تعداد کشورهای متقاضی عضویت در این سازمان افزوده می‌شود، عدم الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باعث خواهد شد ایران در صحنه تجارت جهانی در حاشیه قرار گیرد و این می‌تواند از نظر اقتصادی به زیان کشور تمام شود و این امکان وجود دارد که سازمان مذکور در مواردی اقدام به اعمال محدودیت‌های تجارت برای کشورهای غیرعضو کند و این‌گونه کشورها در تنگنا قرار گیرند.

روند فعلی تسهیل مبادلات بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در واقع منجر به این می‌شود که مبادلات با کشورهای غیرعضو از چنین تسهیلاتی برخوردار نباشد و این امر به خودی خود می‌تواند مانعی بزرگ فرا روی تجارت باشد و در نهایت منجر به انزوای تجاری این کشورها شود.

همچنین کاهش حمایت‌ها و تعرفه‌های محصولات کشاورزی در ایران نمی‌تواند چندان نگران‌کننده باشد و از طرف دیگر هرچند قسمتی از حمایت‌های موجود باید کاهش یابد اما بخش بزرگی از انواع حمایت‌ها وجود دارند که الزامی به کاهش آنها نیست و می‌توان اینگونه حمایت‌ها را حساب شده‌تر و سنجیده‌تر از گذشته ادامه داد. براساس ملاحظاتی که در مورد کشورهای جهان سوم صورت گرفته، این کشورها ملزم به پذیرش تعهداتی که به نحوی با برنامه‌های توسعه ملی و مصالح داخلی این کشورها مغایر باشد، نیستند و قبول تعهدات دیگر منوط به موافقت‌ها براساس منافع ملی خودمان است پس در مورد اینگونه تعهدات هم نگرانی چندانی وجود ندارد.

ورود به بازار جهانی باعث می‌شود تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشور اهمیت رقابت و تلاش برای بهبود کیفیت و حصول با بازدهی بالاتر را درک کرده و به آن عمل کنند. این رویارویی می‌تواند به کشف مزیت‌های نسبی بالقوه بخش کشاورزی و تقویت آن منجر شود. این در حالی است که در شرایط عدم وجود روابط تجاری و عدم وجود رقابت، تولیدکنندگان داخلی قادر به ارتقای سطح کمی و کیفی تولیدات خود نخواهند بود و تلاش جدی برای دستیابی به وضعیت بهتر و برداشتن گامی فراتر از خود نشان نمی‌دهند. به این ترتیب همه ساله شکاف بین تولید داخلی و تولید خارجی افزایش می‌یابد و موضع ما را در برابر رقبای خارجی ضعیف‌تر می‌کند. الحاق به سازمان تجارت جهانی و گام نهادن در این جهت مهم، می‌تواند به دور باطل فوق پایان دهد و تلاش و کوشش بیشتری را در مجموعه نظام تولیدی و صادراتی کشور ایجاد کند.

در مورد کالای استراتژیک گندم، دخالت‌های دولت در بازار داخلی گندم به گونه‌ای گسترده اعمال

می‌شود. در سال‌های اخیر که با افزایش خرید دولتی، گسترش یارانه نان، کنترل بازرگانی خارجی به صورت انحصار واردات گندم و ممنوعیت صادرات آن، نقش دولت فراگیرتر شده بود، با کاهش یارانه آرد و نان در مسیر برگشت به قیمت‌های تعادلی بازار می‌باشد.

هرچند در سالهای اخیر قیمت اسمی گندم افزایش یافته ولی به سبب افزایش سریع‌تر هزینه‌ها و نرخ بالای تورم، قیمت واقعی گندم کاهش داشته است که این موضوع نشان می‌دهد، نرخ مبادله به ضرر گندم کاران کاهش یافته است. معیار نرخ حمایت اسمی که نشان دهنده میزان حمایت دولت است، نوسان‌های فراوانی داشته که این موضوع عدم انعطاف‌پذیری سیاست قیمت‌گذاری گندم را در انطباق با شرایط متغیر نشان می‌دهد. بطوری که نرخ حمایت اسمی منفی و نشان دهنده «عدم حمایت» از محصول گندم است.

افزایش نیافتن تولید داخلی متناسب با افزایش تقاضا نیز سبب شد تا میزان واردات گندم به ویژه در سال‌های اخیر، افزایش یابد. همچنین واردات گندم با نرخ ارز یارانه‌ای نیز سبب شد که واردات گندم ارزان به نظر برسد و این امر زمینه تسهیل واردات گندم را فراهم کرده است. از آنجا که گندم به عنوان ماده اصلی غذایی در الگوی غذایی خانواده‌ها مطرح است، افزایش وابستگی به واردات خطری جدی برای امنیت غذایی کشور به شمار می‌رود.

پیشنهادها

باعنایت به موارد گفته شده در بخش کشاورزی، پیشنهاد می‌گردد:

۱ -با توجه به گسترش دخالت‌های دولت در قیمت‌گذاری و بازار گندم، بازنگری در نقش دولت با هدف تبدیل سیاست‌های هدایت‌کننده و تسهیل‌کننده به‌جای سیاست‌های مداخله‌گرانه صورت گیرد.

۲ -از آنجایی که تجربه گذشته نشان‌دهنده عدم انعطاف سیاست قیمت‌گذاری و بازنگری در قیمت‌ها متناسب با افزایش هزینه است، سیاست قیمت‌گذاری گندم به‌گونه‌ای تدوین شود که امکان انطباق با تغییر شرایط و بازنگری در قیمت‌ها متناسب با افزایش هزینه تولید را داشته باشد.

۳ -به منظور کاهش دخالت دولت در بازاریابی داخلی و واردات گندم پیشنهاد می‌شود بخشی از کارکردها و فعالیت‌های دولت به تدریج به بخش خصوصی و تعاونی‌های مرکب از تولیدکنندگان

گندم سپرده شود.

۴ -کاهش تدریجی و تثبیت تعرفه‌های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، مگر در مورد محصولات کشاورزی کشورهایی که با مشکل پرداخت، مواجه هستند.

انتقادها

به عقیده‌ی مخالفان برنامه‌های سازمان تجارت جهانی، این سازمان، تبدیل به تریبونی شده است که از طریق آن برخی کشورها خواسته‌های خود و شرکت‌هایشان را به کرسی بنشانند. هیچ کشوری به اندازه‌ی آمریکا در استفاده از سازمان تجارت جهانی برای گشودن بازارهای خارجی و دفاع از صنایع داخلی‌اش فعال نبوده است. این سازمان بدون توجه به حقوق کارگران و حفظ محیط زیست، از قدرت خود برای واداشتن کشورها (ازجمله آمریکا) به فسخ سایر موافقت‌نامه‌ها و لغو قوانین ملی(از همه معروف‌تر لغو قانون مربوط به حمایت از لاک‌پشت‌های دریایی از خطر انقراض) به عنوان بخشی از مسئولیتش استفاده نکرده است. همین امر سازمان تجارت جهانی را نزد طرفداران محیط زیست و فعالان حقوق کارگری نامحبوب کرده است.

شرکت‌های فرا ملیتی و نهادهای مالی، طرف‌های عمده‌ی ذی‌النفع از قوانین و ساز و کارهای اجرایی هستند، که نهادهای مالی جهانی را رواج می‌دهند. اگر چه این سیاست‌ها را به عنوان منافع تمام شهروندان جهان عرضه می‌کنند، اما باز هم مقاومت در برابر پیامدهای غالباً واپس گرایانه‌ی چنین سیاست‌هایی آشکارتر و سازمان‌یافته‌تر شده است.

نتیجه‌گیری

الف- پیوستن به **WTO** بازار رقابتی بزرگی را پیش روی تولیدکنندگان ایرانی می‌گشاید که از طریق آن می‌توانند توانمندیهای خویش را جهانی سازند. در وضعیت فعلی بیشتر صادرات ایران (صادرات غیر نفتی) یا براساس تفاهم میان دولتها یا با ارزان‌فروشی کالاهای ساخت داخل انجام می‌شود که علی‌رغم افزایش صادرات غیر نفتی در سال‌های اخیر، سودی جز تورم فزاینده در بازار داخلی، نصیب اقتصاد کشور نشده و بیشتر ارز ناشی از صادرات در بانکهای بین‌المللی بلوکه شده و به دلیل غیر واقعی بودن بازار ارز با نرخ ارز داخلی، صادر کنندگان علاقه‌ای به انتقال این ارزها که می‌تواند سبب رونق اقتصاد و بازار داخلی گردد ندارند. در حالی که در سایهٔ گات تولیدکننده و صادرکننده در بازار آزاد و میدان رقابتی قرار گرفته و کسب سود تنها در سایهٔ تولید کالای مرغوبتر و تأمین نظر جامعهٔ مصرف‌کنندگان بزرگ جهانی، امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین گات هم می‌تواند ارتقای سطح کیفیت کالای داخلی شود و هم هرگونه سرمایه‌گذاری تازه برای افزایش تولید را که

نهایتاً به کاهش قیمت تمام شدهٔ هر واحد کالا منجر می‌شود، جذب کند باید توجه داشت که یکی از امیدهای ایران برای حضور آیندهٔ خود در گات محصولات متنوع بخش کشاورزی است که در فصولی از سال به دست می‌آیند که در مراکز خصوصی اروپا بازار مناسبی خواهند داشت، امّا با وجود حمایت‌هایی که در سالهای اخیر از صادرات غیر نفتی صورت گرفته هنوز قدرت کافی را برای کسب سود بیشتر در این زمینه نیافته‌ایم. بنابراین تا زمانی که به تحول در ساختار تجارت خارجی کشور و بسترسازی اقتصادی و افزایش توان رقابت محصولات صادراتی کشور نپرداخته‌ایم، باید مسالهٔ عضویت در WTO را با تأمل و اندیشهٔ بیشتری دنبال کنیم.

ب- اقتصاد جهانی، اقتصادی است که شرکتها و نهادهای مالی در آن فراعاملی عمل کرده و اصل تقسیم کار و تخصیص مهارت‌ها در آن به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. باز بودن تجارت جهانی موجب می‌شود تا از ذخایر دانش جهانی بیشتر استفاده شده و موجب بهبود و بهره‌وری کامل از منابع تولید به صورت کاملتری می‌شود.

سایر اطلاعات

سایتس چیست؟

سایتس(کنوانسیون مربوط به تجارت بین‌المللی گونه‌های وحشی جانوری و گیاهی در معرض خطر) (Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora Convention on International)یک توافقنامه بین‌المللی بین دولت‌هاست و زیر نظر سازمان ملل متحد می‌باشد. هدف آن تضمین این امر مهم است که تجارت نمونه‌های مختلف جانوری و گیاهی بقاء این موجودات را تهدید نخواهد کرد.

امروزه اطلاعات گسترده درباره وضعیت در معرض خطر بسیاری از گونه‌های پر اهمیت نظیر ببر و فیل نیاز به چنین انجمنی را آشکار می‌سازد. اما زمانی که ایده ایجاد سایتس برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ شکل گرفت، مبحث بین‌المللی برای تنظیم تجارت گونه‌های حیات وحش به دلایل حفاظتی ایده‌ای نسبتاً جدید بود.

با این دید، نیاز به سایتس کاملاً واضح و روشن است. تخمین زده می‌شود بطور سالانه، تجارت بین‌المللی گونه‌های حیات وحش میلیاردها دلار ارزش داشته باشد و شامل صدها میلیون نمونه گیاه و حیوان گردد. بسیاری از گونه‌های حیات وحش مورد تجارت در معرض خطر نیستند اما وجود یک توافقنامه برای تضمین پایداری تجارت و به منظور حفاظت این منابع برای آینده مهم است.

راهنمای اطاق بازرگانی ایران ICCIM

پایگاه اطاق بازرگانی ایران. حاوی بخش‌های متفاوت در مورد حقوق ایران و وضعیت و اطلاعات و راهنمایی‌هایی در مورد تجارت با دیگر کشورها و روابط تجاری آنها با ایران، تجارت در ایران و قوانین و مقررات مربوط به آن، نشانی مراکز مختلف مربوط و اطاق بازرگانی دیگر کشورها .... همچنین متن کامل مجله اطاق بازرگانی بر روی این پایگاه قابل دسترسی است.

مجموعه قوانین و مقررات بازرگانی ایران

شبکه نقطه تجاری ایران

مجموعه‌ای از قوانین و مقررات بازرگانی را جمع‌آوری کرده است که شامل بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها نیز می‌شود.

مجموعه مقالات حقوق تجارت و قراردادها از شبکه SSRN

بخشی از مجله مرکز تحقیقات علوم اجتماعی آمریکا که حاوی صدها مقاله علمی که در معتبرترین مجلات حقوقی به چاپ رسیده یا خواهند رسید و نیز کارهای تحقیقی در مراکز علمی و دانشگاهی آمریکاست. بسیاری از مقالات بصورت متن کامل ارائه شده و برخی نیز بصورت خلاصه مقاله است. لذا پایگاهی بسیار غنی و غیر قابل اجتناب برای تحقیق می‌باشد.

مرکز مطالعات حقوق تجارت بین‌الملل Lex Mercatoria

پایگاه مرکز مطالعات حقوق تجارت بین‌الملل. حاوی کتابشناسی و گزارشاتی در مورد جنبه‌های مختلف حقوق تجارت بین‌المللی. در این پایگاه برخی مقالات و گزارشات به صورت متن کامل قابل دسترسی می‌باشد.